



ایرانیان در زمان پادشاه

محمدرضا جوادی یگانه
سعیده زادقناد



کتاب اول مقدمه و منابع

خلاقیات ایرانیان در نگاه بیگانگان به جامعه ایران

از اولین نوشته‌ها تا ۱۳۵۷

بسم الله الرحمن الرحيم

شورای اجتماعی کشور

ایرانیان در زمانه پادشاهی

خلقیات ایرانیان در نگاه بیگانگان به جامعه ایران
از اولین نوشته‌ها تا ۱۳۵۷

کتاب اول

مقدمه و منابع

محمد رضا جوادی یگانه، سعیده زادقناد

پاییز ۱۳۹۴

جوادی یگانه، محمدرضا، ۱۳۴۸-

ایرانیان در زمانه پادشاهی: خلیات ایرانیان در نگاه بیگانگان به جامعه ایران از اولین نوشته‌ها تا ۱۳۵۷/ محمدرضا جوادی یگانه، سعیده زادقناد- تهران: شورای اجتماعی کشور؛ پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۹۴.

ج. ۱۰

یادداشت: مجموعه ده جلدی «ایرانیان در زمانه پادشاهی» حاصل مطالعه حدود ۵۰۰ سفرنامه و گزارش سفر و استخراج نگاه بیگانگان به خلیات ایرانیان است که بر مبنای ساختار مدور ارزش‌های انسانی شوارتز طبقه‌بندی و به تناسب در کتاب‌های این مجموعه گنجانده شده‌اند. تقسیم‌بندی جلد‌های سوم تا دهم کتاب نیز بر اساس گونه‌های ده‌گانه ارزشی شوارتز است.

مندرجات: ج. ۱. مقدمه و منابع- ج. ۲. گزیده خلیات مثبت- ج. ۳. خلیات منفی: عام‌گرایی (بخش اول)- ج. ۴. خلیات منفی: عام‌گرایی (بخش دوم)- ج. ۵. خلیات منفی: امنیت (بخش اول)- ج. ۶. خلیات منفی: امنیت (بخش دوم)- ج. ۷. خلیات منفی: انگیزش؛ سنت؛ لذت‌طلبی- ج. ۸. خلیات منفی: هم‌نواپی؛ دستیابی به اهداف- ج. ۹. خلیات منفی: نیک‌خواهی- ج. ۱۰. خلیات منفی: قدرت؛ خودهدایت‌گری.

موضوع: ۱. ویژگی‌های ملی ایرانی- جنبه‌های جامعه‌شناختی. ۲. اخلاق ایرانی- تاریخ. ۳. ایرانیان- هویت نژادی. ۴. فرهنگ ایرانی. ۵. ایرانیان- جنبه‌های اخلاقی.

شناسه افزوده: الف. عنوان. ب. زادقناد، سعیده، ۱۳۶۲-، نویسنده همکار. ج. وزارت کشور، مرکز اجتماعی فرهنگی، دبیرخانه شورای اجتماعی. د. وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

رده بندی کنگره: ۱۳۹۴، ج. ۹، ۶۵/۹ DSR

رده بندی دیویی: ۹۵۵/۰۰۴۴

ایرانیان در زمانه پادشاهی: خلیات ایرانیان در نگاه بیگانگان به جامعه ایران از اولین

نوشته‌ها تا ۱۳۵۷

کتاب اول: مقدمه و منابع

محمدرضا جوادی یگانه (دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه تهران)، سعیده زادقناد

ناشر: شورای اجتماعی کشور؛ پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی

صفحه‌آرا و طراح جلد: امین اله بخشایی

چاپ اول ۱۳۹۴

شمارگان: ۲۰۰

حقوق دوره ده جلدی متعلق به مولفین است.

هر عیب که گشت عادت شخص نه شخص کند تمیز نه فحص
از «چشم دگر» نظر به خود کن آنگاه تمیز نیک و بد کن

میرزا ابراهیم رسا

به نقل از کتاب تاریخ اجتماعی ایران، نوشته ویلم فلور، ۱۳۶۵، پاورقی صفحه ۶

فهرست

فهرست عناوین کتاب‌های ده گانه

۱	پیشگفتار
۴	مقدمه
۹	سفرنامه‌ها، منابع مکمل تحقیق در بررسی خلیقات در ایران
۱۶	سفرنامه پژوهی
۴۳	میزان اعتبار سفرنامه‌ها در سنجش خلیقات ایرانیان
۶۲	خلیقات مثبت ایرانیان در سفرنامه‌های فرنگیان
۷۴	روش گردآوری و ارائه اطلاعات
۸۷	ساختار مدور ارزش‌های شوارتز
۹۸	فهرست ارزش‌ها و خُرده‌ارزش‌ها
۱۲۷	تشکر
۱۳۰	منابع

فهرست عناوین کتاب‌های ده‌گانه

کتاب اول. مقدمه و منابع

ج	فهرست عناوین کتاب‌های ده‌گانه
۱	پیشگفتار
۴	مقدمه
۹	سفرنامه‌ها، منابع مکمل تحقیق در بررسی خلیقات در ایران
۱۶	سفرنامه پژوهی
۴۳	میزان اعتبار سفرنامه‌ها در سنجش خلیقات ایرانیان
۶۲	خلیقات مثبت ایرانیان در سفرنامه‌های فرنگیان
۷۴	روش گردآوری و ارائه اطلاعات
۸۷	ساختار مدور ارزش‌های شوارتز
۹۸	فهرست ارزش‌ها و خرده‌ارزش‌ها
۱۲۷	تشکر
۱۳۰	منابع

کتاب دوم. گزیده خلیقات مثبت

ارزش اساسی اول: عام‌گرایی ۱

۳	ارزش اول: حفاظت از محیط زیست
۳	علاقه به طبیعت
۵	ارزش دوم: تمنای جهانی زیبا
۵	ذوق و سلیقه هنری
۲۱	ارزش سوم: وحدت با طبیعت
۲۳	ارزش چهارم: وسعت نظر

۲۳	تسامح با اقلیت‌های دینی
۳۲	تساهل با بیگانگان
۴۶	روحیه اصلاح‌طلبی
۵۱	ارزش پنجم: عدالت اجتماعی
۵۱	عدالت‌طلبی
۶۵	ارزش ششم: حکمت
۶۵	علم‌دوستی و دانشوری
۷۳	آینده‌نگری و عاقبت‌اندیشی
۸۰	آگاهی و شناخت سیاسی و اجتماعی
۸۰	عقلانیت‌گرایی و واقع‌نگری
۸۱	موقعیت‌شناسی
۸۳	ارزش هفتم: برابری
۸۳	احترام به حقوق زنان
۸۵	برابری و برادری
۸۶	بهادادن به نظر مردم
۸۹	ارزش هشتم: تمنای صلح جهانی
۸۹	اتحاد و همبستگی
۹۰	صلح‌گرایی
۹۵	ارزش نهم: هماهنگی درونی
۹۵	صبر و شکیبایی
۹۸	ارزش اساسی دوم: امنیت
۹۹	ارزش دهم: تمیزی
۹۹	نظافت و آراستگی
۱۰۵	ارزش یازدهم: امنیت ملی
۱۰۵	حب وطن و میهن‌پرستی
۱۱۵	استعمارستیزی

۱۲۳	ارزش دوازدهم: نظم اجتماعی
۱۲۳	نظم‌گرایی و انضباط
۱۲۷	امنیت‌طلبی و آسایش خواهی
۱۳۳	ارزش سیزدهم: امنیت خانواده
۱۳۳	حفظ حریم خانوادگی
۱۳۵	ارزش چهاردهم: جبران لطف دیگران
۱۳۵	قدرشناسی
۱۴۳	ارزش پانزدهم: سلامت
۱۴۳	سلامت
۱۴۵	ارزش شانزدهم: احساس تعلق داشتن
۱۴۷	ارزش اساسی سوم: انگیزش
۱۴۹	ارزش هفدهم: بی‌باکی
۱۴۹	رشادت و بی‌باکی
۱۶۶	ماجراجویی
۱۶۷	ارزش هجدهم: تنوع حیات
۱۶۷	شادزیستی و زنده‌دلی
۱۷۴	توجه به اوقات فراغت
۱۷۷	ارزش نوزدهم: زندگی هیجان‌انگیز
۱۷۹	ارزش اساسی چهارم: سنت
۱۸۱	ارزش بیستم: سپردن خویش به دست خدا (دینداری)
۱۸۱	توکل به خدا و پذیرش تقدیر الهی
۱۸۳	پای‌بندی به باورهای مذهبی
۱۹۴	پناه بردن به اماکن مقدس
۱۹۹	ارزش بیست و یکم: پذیرفتن سهم خویش از زندگی
۱۹۹	ساده‌زیستی و رضایت به شرایط زندگی

۲۰۹	ارزش بیست و دوم: متواضع بودن
۲۰۹	تواضع
۲۱۳	ارزش بیست و سوم: میانه‌روی
۲۱۳	اعتدال و پرهیز از افراط
۲۱۹	ارزش بیست و چهارم: احترام به سنت
۲۱۹	پاسداشت مناسک ملی و مذهبی
۲۲۹	حفظ سنن و آداب‌دانی
۲۳۱	احترام به بزرگان دین و ادب
۲۳۵	<u>ارزش اساسی پنجم: لذت‌طلبی</u>
۲۳۷	ارزش بیست و پنجم: لذت
۲۳۹	ارزش بیست و ششم: لذت‌بردن (کیف کردن) از زندگی
۲۴۱	ارزش بیست و هفتم: صرفاً به خود پرداختن
۲۴۳	<u>ارزش اساسی ششم: همنوایی</u>
۲۴۵	ارزش بیست و هشتم: ادب
۲۴۵	مهربانی و خون‌گرمی
۲۵۶	شوخطبعی و بذله‌گویی
۲۵۸	ادب
۲۷۴	تعارف
۲۷۹	احترام به بزرگ‌ترها
۲۸۱	ارزش بیست و نهم: گرامی داشتن والدین و کهنسالان
۲۸۱	احترام به والدین
۲۸۳	ارزش سی‌ام: مطیع قانون بودن
۲۸۳	وفای به عهد
۲۸۴	قانون‌گرایی
۲۸۷	ارزش سی و یکم: انضباط درونی

۲۸۷	عفت و پاکدامنی
۲۹۱	پای‌بندی به اخلاق
۲۹۱	آبروداری

۲۹۳ ارزش اساسی هفتم: دستیابی به اهداف

۲۹۵	ارزش سی و دوم: موفقیت
۲۹۷	ارزش سی و سوم: توانمندی
۲۹۷	شایسته‌سالاری در انتصاب مقامات حکومتی
۳۰۰	حاکمان توانا
۳۱۳	کارگزاران توانمند
۳۱۶	چالاکي و استقامت
۳۲۳	توانمندی زنان
۳۳۰	مهارت زبانی و کلامی
۳۳۲	کارآمدی حرفه‌ای

۳۳۹	ارزش سی و چهارم: بلندهمتی
۳۳۹	سحر خیزی
۳۴۰	سخت‌کوشی

۳۴۵	ارزش سی و پنجم: بانفوذ بودن
۳۴۵	پذیرش نفوذ علمای مذهبی

۳۴۹	ارزش سی و ششم: هوشمندی
۳۴۹	هوش و ادراک قوی

۳۶۳	ارزش سی و هفتم: احترام به خویشتن
۳۶۳	غرور و عزت نفس
۳۶۴	حفظ اصالت

۳۶۹ ارزش اساسی هشتم: نیک‌خواهی

۳۷۱	ارزش سی و هشتم: مددکاری
۳۷۱	خیرخواهی و انسان‌دوستی

۳۷۴	جوانمردی
۳۸۱	ارزش سی و نهم: صداقت
۳۸۱	صداقت و درست کاری
۳۸۷	ارزش چهلیم: بخشنده‌گی
۳۸۷	گشاده‌دستی و انفاق
۳۹۶	وقف
۳۹۹	ارزش چهل و یکم: وفاداری
۴۰۱	ارزش چهل و دوم: مسئولیت‌پذیری
۴۰۱	مسئولیت‌پذیری و قابل اعتماد بودن
۴۰۸	وقت‌شناسی
۴۰۹	ارزش چهل و سوم: دوستی حقیقی
۴۱۱	ارزش چهل و چهارم: حیات معنوی
۴۱۳	ارزش چهل و پنجم: عشق متعالی
۴۱۳	عشق به خانه و خانواده
۴۱۴	میهمان‌نوازی
۴۵۲	بنده‌نوازی و اکرام مردم
۴۵۵	گذشت و رافت
۴۵۷	اعطای هدیه و خلعت
۴۶۴	ارزش چهل و ششم: معناداری زندگی
۴۶۵	ارزش اساسی نهم: قدرت
۴۶۷	ارزش چهل و هفتم: قدرت اجتماعی
۴۶۹	ارزش چهل و هشتم: اقتدار
۴۶۹	حکمرانی مقتدر
۴۹۵	ارزش چهل و نهم: ثروت
۴۹۷	ارزش پنجاهم: حفظ وجهه اجتماعی خویش

۴۹۹	ارزش پنجاه و یکم: تشخیص اجتماعی
۵۰۰	ارزش اساسی دهم: خودهدایت‌گری
۵۰۱	ارزش پنجاه و دوم: خلایقیت
۵۰۱	نوآوری و ابداع
۵۰۵	ارزش پنجاه و سوم: کنجکاوی
۵۰۷	ارزش پنجاه و چهارم: آزادی
۵۰۷	آزادی عمل و بیان
۵۱۱	ارزش پنجاه و پنجم: انتخاب اهداف خویش
۵۱۳	ارزش پنجاه و ششم: استقلال
۵۱۵	ارزش پنجاه و هفتم: حریم خصوصی

کتاب سوم. خلیقات منفی: عام‌گرایی (بخش اول)

۱	ارزش اساسی اول: عام‌گرایی
۳	ارزش اول: حفاظت از محیط زیست
۵	بی‌توجهی به طبیعت
۱۳	بی‌رحمی نسبت به حیوانات
۳۱	ارزش دوم: تمنای جهانی زیبا
۳۳	فقدان ذوق هنری و بی‌سلیقگی
۴۵	ارزش سوم: وحدت با طبیعت
۴۹	ارزش چهارم: وسعت نظر
۵۱	رفتار نامناسب با اقلیت‌های مذهبی
۳۹۱	رفتارهای عداوت‌آمیز با بیگانگان
۵۳۷	خودخواهی، خودمداری و خودرایی
۵۶۳	عدم تحمل نقد و اصلاح‌پذیری

کتاب چهارم. خلیات منفی: عام‌گرایی (بخش دوم)

ارزش اساسی اول: عام‌گرایی (ادامه) ۱

۳	ارزش پنجم: عدالت اجتماعی
۵	بستن‌شینی
۳۱	ارزش ششم: حکمت
۳۳	خرافه‌پرستی، خیالبافی و افسانه‌پردازی
۱۶۹	چهل و بیسواد
۲۶۵	زوال و انحطاط
۲۹۷	بی‌توجهی به مظاهر پیشرفت
۳۳۳	تسلط فرهنگ شفاهی
۳۳۹	فقدان آینده‌نگری
۳۴۹	ارزش هفتم: برابری
۳۵۱	با دیگران یکسان رفتار نکردن
۳۶۱	انحصارطلبی برخی روحانیون ادیان
۴۰۹	رعایت نکردن حقوق زنان
۵۲۳	ارزش هشتم: تمنای صلح جهانی
۵۲۵	جنگ و دشمنی
۵۵۷	فقدان اتحاد
۵۷۷	ارزش نهم: هماهنگی درونی
۵۷۹	عجله و شتابزدگی

کتاب پنجم. خلیات منفی: امنیت (بخش اول)

ارزش اساسی دوم: امنیت ۱

۳	ارزش دهم: تمیزی
---	-----------------

۵	رعایت نکردن بهداشت
۸۵	ارزش یازدهم: امنیت ملی
۸۷	فقدان وطن پرستی و مقاومت در برابر دشمن
۱۴۳	ارزش دوازدهم: نظم اجتماعی
۱۴۵	بی نظمی و بی قانونی
۲۱۱	فساد اقتصادی کارگزاران
۴۱۱	الواطی گری
۴۳۷	دزدی

کتاب ششم. خلیات منفی: امنیت (بخش دوم)

۱ ارزش اساسی دوم: امنیت (ادامه)

۳	ارزش دوازدهم: نظم اجتماعی (ادامه)
۵	باچ گیری و یاغی گری
۲۳۳	شورش
۲۵۷	بی توجهی به معماری بناها، شهرها و راهها
۳۴۳	ارزش سیزدهم: امنیت خانواده
۳۴۵	عدم رعایت حقوق کودکان
۳۵۱	کورکردن و معدوم ساختن شاهزادگان
۳۶۵	ارزش چهاردهم: جبران لطف دیگران
۳۶۷	حق ناشناسی
۳۷۹	وامداری
۳۸۷	ارزش پانزدهم: سلامت
۳۸۹	بی توجهی به سلامت و بهداشت فردی
۴۳۳	ارزش شانزدهم: احساس تعلق داشتن
۴۳۵	بی تفاوتی و بی اعتنایی به دیگران

کتاب هفتم. خلیات منفی: انگیزش؛ سنت؛ لذت طلبی

ارزش اساسی سوم: انگیزش

۱

۳	ارزش هفدهم: بی باکی
۵	ترس و محافظه کاری
۸۱	ارزش هجدهم: تنوع حیات
۸۳	یکنواختی زندگی
۹۷	ارزش نوزدهم: زندگی هیجان انگیز
۱۰۱	ارزش اساسی چهارم: سنت

۱۰۳	ارزش بیستم: سپردن خویش به دست خدا (دینداری)
۱۰۵	عدم شناخت و پای بندی به دیانت
۱۶۹	ارزش بیست و یکم: پذیرفتن سهم خویش از زندگی
۱۷۱	حسادت و عیب جویی
۱۹۹	طمع و زیاده خواهی
۲۴۳	توقع انعام
۲۶۳	ارزش بیست و دوم: متواضع بودن
۲۶۵	خودنمایی و خودپسندی
۳۰۷	ارزش بیست و سوم: میانه روی
۳۰۹	احساسات و اشتیاقات افراطی
۳۴۹	اسراف و ولخرجی
۳۵۷	تجمل گرایی
۳۸۷	چانه زنی
۳۹۳	پر حرفی و گزافه گویی
۴۰۳	تعارف بیجا
۴۳۱	مبالغه کردن
۴۵۷	پر خوری

۴۶۳	ارزش بیست و چهارم: احترام به سنت
۴۶۵	بی‌احترامی به میراث گذشتگان
۴۹۷	بی‌احترامی به گورستان
۵۰۳	ارزش اساسی پنجم: لذت طلبی

۵۰۵	ارزش بیست و پنجم: لذت
۵۰۹	ارزش بیست و ششم: لذت بردن (کیف کردن) از زندگی
۵۱۳	ارزش بیست و هفتم: صرفا به خود پرداختن
۵۱۵	افراط در استعمال شراب و مواد مخدر
۵۷۱	زنجاری

کتاب هشتم. خلیات منفی: همنوایی؛ دستیابی به اهداف

۱	ارزش اساسی ششم: همنوایی
۳	ارزش بیست و هشتم: ادب
۵	بد اخلاقی و تندخویی
۱۵	بی‌ادبی، گستاخی و فحاشی
۵۳	بد غذا خوردن
۶۹	بد راه رفتن
۷۹	ارزش بیست و نهم: گرمی داشتن والدین و کهنسالان
۸۱	بی‌احترامی به والدین
۹۳	ارزش سی‌ام: مطیع قانون بودن
۹۵	مسئولیت ناپذیری و قانون ناپذیری
۱۵۹	ارزش سی و یکم: انضباط درونی
۱۶۱	روسپیگری
۱۷۵	بی‌بندوباری و فساد اخلاقی
۲۴۱	ارزش اساسی هفتم: دستیابی به اهداف

۲۴۳	ارزش سی و دوم: موفقیت
۲۴۷	ارزش سی و سوم: توانمندی
۲۴۹	ناکارآمدی شاهان
۳۰۷	ناشایستگی ولیعهد و شاهزادگان
۳۱۷	ناکارآمدی کارگزاران حکومتی
۵۵۹	اعطای لقب و مقام بدون شایستگی
۶۰۹	ارزش سی و چهارم: بلندهمتی
۶۱۱	تنبلی و راحت طلبی
۶۷۳	ارزش سی و پنجم: بانفوذ بودن
۶۷۷	ارزش سی و ششم: هوشمندی
۶۷۹	سادگی، زودباوری و سطحی نگری
۶۹۵	پذیرش شایعه و دهن بینی
۷۰۷	ارزش سی و هفتم: احترام به خویشان
۷۰۹	از خود بیگانگی
۷۵۵	بی توجهی به هنرمندان داخلی

کتاب نهم. خلیات منفی: نیک خواهی

ارزش اساسی هشتم: نیک خواهی

۳	ارزش سی و هشتم: مددکاری
۵	فرصت طلبی
۲۹	حیله گری و فریب کاری
۲۳۷	دلالتی
۲۵۵	ارزش سی و نهم: صداقت
۲۵۷	دروغ گوئی
۳۲۹	نفاق و ریاکاری
۳۴۹	ارزش چهلم: بخشندگی

۳۵۱	خساست
۳۵۹	ارزش چهل و یکم: وفاداری
۳۶۱	خیانت و پیمان شکنی
۳۹۱	سوءظن، توهم توطئه و بدبینی، بی اعتمادی
۴۲۷	ارزش چهل و دوم: مسئولیت پذیری
۴۲۹	اهمال کاری
۴۶۵	وقت ناشناسی
۴۹۱	بدقولی
۵۰۹	ارزش چهل و سوم: دوستی حقیقی
۵۱۳	ارزش چهل و چهارم: حیات معنوی
۵۱۵	توجیه مذهبی و کلاه شرعی تراشیدن
۵۳۱	ارزش چهل و پنجم: عشق متعالی
۵۳۳	کینه توزی و انتقام خواهی
۵۷۱	سخت مجازات کردن
۶۹۹	توقع پیشکش و هدیه
۷۱۹	ارزش چهل و ششم: معناداری زندگی

کتاب دهم. خلیات منفی: قدرت؛ خودهدایت گری

۱	ارزش اساسی نهم: قدرت
۳	ارزش چهل و هفتم: قدرت اجتماعی
۷	ارزش چهل و هشتم: اقتدار
۹	جبر و استبداد
۳۷۹	ارزش چهل و نهم: ثروت
۳۸۱	پذیرش فقر و تکدی گری
۴۲۵	ارزش پنجاهم: حفظ اجتماعی وجهه خویش

۴۲۷	نوکرمایی و برکشیدن فرومایگان
۴۵۵	چاپلوسی
۴۹۹	ارزش پنجاه و یکم: تشخیص اجتماعی
۵۰۱	تمسخر و تحقیر دیگران
۵۱۳	ارزش اساسی دهم: خودهدایت‌گری
۵۱۵	ارزش پنجاه و دوم: خلایقیت
۵۱۷	فقدان خلایقیت و نوآوری
۵۲۷	ارزش پنجاه و سوم: کنجکاوی
۵۳۱	ارزش پنجاه و چهارم: آزادی
۵۳۳	فقدان آزادی بیان
۵۵۳	فقدان آزادی فردی
۵۷۱	ارزش پنجاه و پنجم: انتخاب اهداف خویش
۵۷۳	تقدیرگرایی
۵۹۳	ارزش پنجاه و ششم: استقلال
۵۹۵	بیگانه‌پرستی
۶۳۱	وابستگی سیاسی - اقتصادی به کشورهای خارجی
۷۵۹	پناه بردن به بیگانه
۷۶۹	تذبذب و دمدمی‌مزاجی
۷۷۹	ارزش پنجاه و هفتم: حریم خصوصی
۷۸۱	فضولی کردن و کنجکاوی

پیشگفتار

فرهنگ ایرانی از دیرباز بستری برای تجلی و تعالی خصائل پسندیده انسانی بوده است و بی‌شک از رهگذر همین فرهنگ والاست که ایران زمین، خاستگاه بالیدن اسطوره‌های بی‌شماری شده که بر تارک تاریخ درخشیده‌اند. از منظری دیگر، تمدن چندهزارساله ایران، حکایت از این حقیقت دارد که ایرانیان در بسیاری از عرصه‌ها پیشگام و پیشرو بوده‌اند و همین قدمت تمدنی، در کنار عناصر ایدئال و درخشان فرهنگ ایرانی، سبب شده تا این فرهنگ، همواره در کانون توجه باشد؛ چه از منظر درک عناصر بالنده تمدنی و گشودن زبان به تحسین آن‌ها و چه از نگاه تنگ‌نظرانه کالبدی استعمارگر که روح رقابت و رشک بر آن دمیده شده است.

یکی از عرصه‌هایی که اهمیت ایران و ایرانیان را در نگاه کنجکاو و سرشار از پرسش بیگانگان، به‌ویژه غربیان، بازتاب می‌دهد، یادداشت‌های متنوعی است که از سوی ناظرانی که به بهانه‌های مختلف ایران را بازدید کرده‌اند، به رشته تحریر درآمده است؛ یادداشت‌هایی که گاه در حد یک گزارش امنیتی باقی مانده و گاه نیز چونان داستانی جذاب و پُرکشش، به سفرنامه‌ای مفصل تبدیل شده که سالیان سال به نگاه شرق و غرب از ایران، جهت بخشیده است. این سفرنامه‌ها، علاوه بر آن‌که به‌خوبی جایگاه خود را در منابع تاریخ ایرانیان باز کرده‌اند، گاه از چنان قدرتی برخوردار بوده که به‌مثابه راهنمای سفر برای سیاحان عمل کرده و آن‌ها با مطالعه و دقت در آن‌ها می‌کوشیده‌اند تا پیش از ورود به ایران، تصویری نسبی، زشت یا زیبا، از سرزمین ما در ذهن خویش ترسیم نمایند. برای نمونه، ارجاعات متعدد سفرنامه‌نویسان به سفرنامه‌ای همچون سفرنامه شاردن، حکایت از آن دارد که سفرنامه‌ها چه نقش عظیم و انکارناپذیری در معرفی فرهنگ ایرانی به غرب داشته‌اند. این کارکرد مهم، زمانی اهمیت افزون‌تری می‌یابد که بعضاً نگاهی خاص به ایران و ایرانی در چرخه‌ای از بازتولیدهای دائمی اسیر شده و گاه به تصور نادرست یا توهمی از فرهنگ ایرانی، دامن زده است. از همین روست که اگر سفرنامه‌نویسی با تکیه بر قلم خویش توانسته است تصویری دروغگو یا فریب‌کار از

ایرانی‌ها خلق کند، سفرنامه‌نویسان بعدی نیز با این پیش‌زمینه ذهنی پا به ایران نهاده و گاه در دام پیش‌داوری افتاده و خود نیز به قضاوتی ناروا نشسته‌اند. به این ترتیب، نمی‌توان منکر نقش برجسته سفرنامه‌ها در شکل‌دادن به نگاه جامعه غرب نسبت به ایران شد. اهمیت این مسئله از منظری دیگر نیز خود را عیان می‌کند. آنجا که آسیب‌شناسان فرهنگ ایرانی و اندیشمندانی که قائل به خودانتقادی نسبت به فرهنگ هستند، نزدیک به یک سده است که از رهگذر ارجاع به سفرنامه‌ها، می‌کوشند تا فرهنگ ایرانی را واکاویده و با تحلیل و بررسی نگاه دیگران، به تعالی بیشتر فرهنگ ایرانیان یاری رسانند. این تعالی که بیشتر در حوزه منش و خلیات، مطمح نظر آسیب‌شناسان بوده، رفتارهای ناپسند ایرانیان را که شاید بتوان از آن با عنوان خلیات منفی یاد کرد، نشانه رفته است؛ خلیاتی که از رفتارهای شخصی تا کنش‌های اجتماعی در نوسان‌اند و اغلب نشانی از زنگار استبداد تاریخی دارند که سال‌های ایران پادشاهی، بر روح این ملت نشانده است. در این میان باید در نظر داشت که رواج خودانتقادی از فرهنگ ایرانی تا زمانی که تبیین درست و متقنی از ویژگی‌های روحی و اخلاقی ایرانیان به‌عمل نیاید، می‌تواند ضربه‌ای اساسی بر روحیه و اعتمادبه‌نفس ملّی وارد کند و سرخوردگی روزافزونی را بر روحیه ایرانی تحمیل کند که نتیجه‌ای جز یأس و درماندگی در پی نداشته باشد، که از آن به «خودشرق‌شناسی» یاد می‌شود. از همین روست که ضرورت مطالعه علمی و تدقیق در خلیات ایرانی و تشخیص سره از ناسره، اهمیتی ویژه می‌یابد.

مجموعه پیش‌رو که به همت دکتر محمدرضا جوادی یگانه و خانم سعیده زادقناد به‌ثمر نشسته است، حاصل تلاشی هشت‌ساله در جمع‌آوری تمامی مکتوبات منتشرشده‌ای است که به زبان فارسی ترجمه شده‌اند و از سوی ناظران خارجی فرهنگ ایرانی، از تاجر و هنرمند و جهانگرد گرفته تا پزشک و مبلغ مذهبی و مأمور سیاسی، بازتاب داده شده‌اند. لذا این اثر کوشیده تا جزء گام‌های مکملی باشد که مسیر علمی مطالعه اخلاق اجتماعی و خلیات ایرانیان را از منظر بیگانگان طی می‌کنند. در این کار تلاش شده تا بدون هیچ قضاوت و تحلیلی نسبت به نگاه بیگانگان به فرهنگ ایرانی، فقط به گردآوری نگاه ناظران خارجی پرداخته شود و با

فراهم آمدن مجموعه‌ای از اظهارنظرهای دیگران، هر آنچه به عنوان ویژگی منفی به ایرانیان نسبت داده شده، تدوین و طبقه‌بندی شود. لازم است از دکتر جواد یگانه که این مجموعه را به صورت رایگان در اختیار شورای اجتماعی کشور قرار داد و همچنین تمامی همکاران ایشان تشکر نمایم. امید است که این اثر با ماهیت دائرةالمعارفی خود، عرصه مناسبی را برای پژوهش و واکاوی محققان حوزه آسیب‌شناسی اخلاق ایرانی فراهم کند تا از رهگذر آن، در نگاهی ایدئال، علاوه بر تصحیح نقاط ضعف فرهنگمان، استدلالی قوی برای مقابله با پدیده‌هایی که به ناروا به ایرانیان نسبت داده شده، فراهم شود. همچنین از آنجا که بررسی و تعیین سیاست‌های عمومی در راستای پیش‌بینی، پیشگیری و برخورد با مسائل و آسیب‌های اجتماعی و بررسی و تعیین سیاست‌های عمومی در تحقق توسعه اجتماعی بر مبنای وفاق و نظم اجتماعی، مهم‌ترین مأموریت شورای اجتماعی کشور به شمار می‌آید، شناخت آن دسته از خصایص و رفتارهای اجتماعی که در گذشته جامعه ایران ریشه دارند، می‌تواند در سیاست‌گذاری برای کاهش آن‌ها مؤثر باشد.

سید مرتضی میرباقری

قائم‌مقام وزیر کشور و دبیر شورای اجتماعی کشور

مقدمه

ایران، یادآور یکی از تمدن‌های کهن (اما نه کهنه) بشری است که طی قرن‌ها توانسته است تداوم خود را حفظ کند و همچنان بالنده بماند. این تمدن، بارها و بارها در معرض خطرات فراوان قرار گرفته و هر بار ققنوس‌وار توانسته از آن پیروز و سربلند بیرون آید. حملات اسکندر، اعراب و مغول از شمار مهم‌ترین این خطرات بوده‌اند. در این میان، «اسکندر نه تنها تمدن یونانی را به ایران نیاورد، بلکه خود را وارث و جانشین داریوش و خشایارشا خواند و شکل و شمایلی ایرانی به خود گرفت». (گروسه، ۱۳۸۱: ۲۷) داستان حمله اعراب نیز، سرگذشتی متناقض‌نما دارد. نظام حکومتی ایران در برابر حمله اعراب مسلمان جنگید و شکست خورد؛ اما مردم ایران، اسلام را به طوع پذیرفتند و بالاترین خدمات‌ها را به آن کردند. (مطهری، ۱۳۷۶) همچنین آن‌ها در برابر تفرعن و تعصب اعراب ایستادند و به خوبی توانستند میان اسلام و اعراب، تفکیک ایجاد کنند. به علاوه، هم مسلمان ماندند و هم ایرانی. لازم به ذکر است که تمدن ایرانی، تمدنی کاملاً اسلامی است؛ یعنی نمی‌توان آن را از عناصر اسلامی مجزا پنداشت. به گفته ریچارد فرای (۱۳۶۴)، آنگاه که ایران در قرن سوم هجری در حال جهش تمدنی بود، برخی از عناصر باستان‌گرای ایران، تمام تلاش خود را کردند تا این تمدن، رنگ اسلامی به خود نگیرد؛ اما نتوانستند. لذا عصر زرین فرهنگ ایران (که عنوان کتاب فرای نیز هست)، همان دوران ایرانی‌اسلامی به شمار می‌آید. از همین رو ایرانیان، آنگاه که اسلام در خطر بوده، حتی از ایرانی‌ت خود نیز گذشته‌اند.

اما هنر تمدن ایرانی در تلفیق عناصر ایرانی و اسلامی چنان بوده است که در کمتر موردی، ناچار شده از یکی به نفع دیگری صرف نظر کند. ایرانیان، مسلمان ماندند؛ اما تاریخ، زبان و فرهنگ خود را عربی نکردند. در مقابل، مصریان با تمدنی حداقل به قدمت ایران، آن چنان در فرهنگ عربی جذب و حل شده‌اند که امکان جدا کردن مصر از این تمدن وجود ندارد. این در حالی است که مصریان به اندازه ایرانیان به تمدن اسلامی کمک نکرده‌اند. لذا این قدرت و پویایی تمدن ایرانی بوده که توانسته هوشیارانه این تفکیک‌ها را ایجاد کند. همچنین، این توان را داشته تا

چونان سدی در مقابل تمدن عربی بایستد، به گونه‌ای که مرزهای غربی ایران، انتهای شرقی تمدن عربی اسلامی باشد و همه کشورهای شرق ایران نیز زیر سایه تمدن ایرانی بتوانند زبان و هویت‌های قومی خود را حفظ کنند.

در دوران مغول نیز، «باد بی‌نیازی الهی وزیدن گرفته بود» و بخش‌های شرقی تمدن ایرانی آن چنان ویران شد که هنوز سربلند نکرده است؛ اما قوم فاتح به سرعت رنگ و بوی ایرانی به خود گرفت. پس از آن نیز در دوران صفویه، ترکیب شگفت‌آور اسلام شیعی، سیادت علوی و ایرانیت، توانست بار دیگر هویت مشخص و روشنی به ایرانیان ببخشد.

در تمام این دوره‌ها، هرچند تمدن ایرانی، نقاط ضعف نیز داشته، بر مدار و به سامان بوده و به تعبیر جان فوران (۱۳۷۷)، در دوران صفویه، ایران یکی از معدود امپراتوری‌های جهان بوده؛ اما متأسفانه این پویایی و بالندگی، در دو سده اخیر با مشکلات جدی روبه‌رو شده است.

توجه به این نکته ضروری است که از هنگامی که ایران با غرب برخورد کرد (یا در جنگ‌های ایران و روس، درگیر مسئله غرب شد)، به مسئله‌ای به نام تجدّد غرب و عقب‌ماندگی خود پی برد و تمام تلاش‌های دو سده اخیر خود را در جهت رفع عقب‌ماندگی به کار گرفت و در این مسیر، به هر وسیله و نظریه‌ای تشبث جست. در این میان، گاه راه حل را در تبعیت بی‌چون و چرا از غرب دانسته و گاه به انکار و طرد مطلق غرب، چه به وسیله نظریه‌های کمونیستی و چه با نگاه ضدامپریالیستی پس از انقلاب، پرداخته است. گاه متجددشدن از طریق مدرنیزاسیون و انتقال نهادهای فرنگی به ایران را دنبال کرده و گاه راه حل عقب‌ماندگی را تأکید بر سنت، باستان‌گرایی یا دین دانسته است.

در این دوران طولانی، تأکید اساسی بر دیگران بوده؛ أخذ یا تشبّه به آنان یا رفض آنان. گاه تمام علت عقب‌ماندگی را به توطئه غرب نسبت داده‌اند و گاه نظریه‌های استعماری سده سیزدهم، اعتماد به غرب و ریزه‌خواری تمدن و عمران را راه دستیابی به تجدّد دانسته‌اند.

در تمام این نظریات و تبیین‌ها، این نکته بدیهی است که ایرانیان، خود را موفق و به سامان نمی‌بینند و نتوانسته‌اند مانند موارد گذشته، بر هجوم غرب غلبه کنند؛

اما فقط، به ندرت مواردی به چشم می خورد که علت این عقب ماندگی را در اخلاق و رفتارهای اجتماعی ایرانیان جست و جو کرده باشند و به جای تقلید یا رفض غرب، اصلاح این «خلقیات تباه» را مد نظر قرار داده باشند. لذا کمتر کسانی بوده اند که مشکل را در خود جامعه ایرانی ببینند. علاوه بر این، در میان حکام در دو سده اخیر، موارد انگشت شماری یافت می شود که به خصایص منفی نهاده شده جامعه ایرانی توجه کرده باشند. جز برخی نکات اندک در حکم ناصرالدین شاه برای تشکیل مشورتخانه عامه دولتی در «رفع عادات مذمومه» و طرح اصلاحات اجتماعی تیمورتاش در اوایل پادشاهی دوره رضاشاه، فقط اشاراتی در سخنرانی های هفتگی مهندس بازرگان در زمان نخست وزیری را می توان دید که خلقیات ایرانی را مطمحن نظر قرار داده باشد. البته در دو دهه اخیر، رهبری، موارد متعددی درباره برخی خصایص منفی در جامعه ایران تذکر داده است.

در سطح اندیشمندان و نویسندگان نیز، رویه حاکم، مبتنی بر فقدان توجه به این مسئله تا یکی دو دهه اخیر است. در میان متون انتقادی دوره قاجار تا پیش از مشروطیت، نقد اساسی، چنانچه اشاره شد، یا از قدرت حاکم است یا در موارد معدودی، سنت و اسلام یا استعمار را علت العلل عقب ماندگی می دانستند. به علاوه، جامعه ایران در دوره قاجار آن اندازه بهم ریخته و آشفته بوده که مشکل اساسی در امنیت و نظم بوده و پیشرفت و موانع آن در درجه دوم قرار می گرفته است. از این رو، تقریباً در سراسر دوره قاجار نمی توان به متنی دست یافت که علت عقب ماندگی را در خود جامعه ایرانی ببیند و به فکر اصلاحاتی در «شخصیت و رفتارهای ایرانیان» باشد.

گفتنی است که در سال های پس از مشروطه، بحث خلقیات، به صورت جسته و گریخته دنبال می شد؛ اما نقطه برجسته آن، کتاب *خلقیات ما / ایرانیان* (۱۳۴۵) نوشته محمدعلی جمالزاده است، البته می توان رگه هایی از آن را در ادبیات و شعر معاصر یافت. جمالزاده در این کتاب تلاش داشته تا آنچه از «اخلاق و اطوار ما از خوب و بد و زشت و زیبا»، «از قدیم الایام تا امروز» توسط دیگران ذکر شده، جمع کند. مفصل ترین بخش کتاب، سخنان فرنگیان است (صص ۷۳-۱۳۵) که جمالزاده ادعاهای ۲۹ نفر از فرنگیان درباره رفتار ایرانیان را ذکر کرده است؛ البته بدون ذکر

منبع، بدون طبقه‌بندی و بدون توضیح دربارهٔ اینکه این ادعاها براساس مشاهدهٔ مستقیم است یا شنیده شده‌اند و اگر براساس مشاهده است، نویسنده چقدر با ایرانیان و با کدام دسته از ایرانیان حشرونشر داشته که چنین مواردی را شاهد بوده است.

نقد‌های جمالزاده بر جامعهٔ ایرانی، با واکنش‌های تندی روبه‌رو شد... پس از یک سال از انتشار کتاب، آن را جمع‌آوری می‌کنند و هم‌زمان با آن، گذرنامهٔ ایرانی نویسنده و همسرش را می‌گیرند که البته پس از دو سال باز می‌گردانند. برخی شواهد حاکی از آن است که اجازهٔ تجدید چاپ نیز به کتاب داده نشد.

در سال‌های پیش از انقلاب، تنها منبع مهم دربارهٔ خلیقات ایرانی پس از کتاب جمالزاده، کتاب *سازگاری/ایرانی* مهندس بازرگان (۱۳۵۷) است که بسط‌یافتهٔ یک سخنرانی در سال ۱۳۴۶ به‌شمار می‌رود. پس از انقلاب اما، در دو دههٔ اخیر، مطالب بسیاری دربارهٔ خلیقات ایرانی و آنچه به علل شخصیتی عقب‌ماندگی ایرانیان مرتبط است، منتشر و با اقبال عمومی نیز روبه‌رو شده است. کتاب‌هایی مانند *چرا عقب مانده‌ایم* (ایزدی، ۱۳۶۹)، *ما چگونه ما شدیم* (زیباکلام، ۱۳۷۴)، *جامعه‌شناسی نخبه‌کشی* (رضاقلی، ۱۳۷۷)، *چرا ایران عقب ماند و چرا غرب پیش رفت* (علمداری، ۱۳۷۹) و *جامعه‌شناسی خودمانی* (نراقی، ۱۳۸۰). این کتاب‌ها گاه تا سی‌وهفت‌بار تجدید چاپ شده‌اند.

در کتاب ۱۶۰ صفحه‌ای نراقی که معروف‌ترین کتاب دربارهٔ خلیقات ایرانی، پس از انقلاب است، مطالب زیر در مورد خلیقات ایرانیان، ذکر شده است: بیگانگی با تاریخ، حقیقت‌گریزی و پنهان‌کاری، ظاهرسازی، قهرمان‌پروری و استبدادزدگی، خودمحوری و برتری‌جویی، بی‌برنامگی، ریاکاری و فرصت‌طلبی، احساساتی‌بودن و شعارزدگی، توهم دائمی توطئه، مسئولیت‌ناپذیری، قانون‌گریزی و میل به تجاوز، توقع و ناراضیتی دائمی، حسادت و حسدورزی، و همه‌چیزدانی. او همه‌چیز را با پسوند «ما» همراه کرده تا در همهٔ انتقادات، خود را نیز شریک بداند.

جدای از حوزهٔ کتاب، در سینما و ادبیات نیز در سال‌های اخیر به مسئلهٔ خلیقات منفی ایرانیان پرداخته شده است؛ فیلم‌هایی مانند سه‌گانهٔ اصغر فرهادی (چهارشنبه‌سوری، دربارهٔ الی و جدایی نادر از سیمین)، بی‌پولی، سوپر استار و کتاب

قانون، نمونه‌هایی از این مواردند که در چند سال اخیر اکران شده‌اند. به‌علاوه، در شبکه‌های اجتماعی نیز تصاویر و مطالب کوتاه دربارهٔ وضعیت ناگوار اجتماعی در ایران، حکایت از اهمیت این مسئله در آگاهی جمعی ایرانیان (و احتمالاً افراط در آن) دارد.

البته علی‌رغم اهمیت داشتن این مسئله، منابع علمی دربارهٔ آن اندک است. در منابع موجود فارسی، معروف‌ترین کتاب، *خلقیات ما / ایرانیان*، نوشتهٔ جمالزاده است که پیش‌تر ذکر آن رفت. اما یکی از کامل‌ترین منابع موجود دربارهٔ خلقیات ایرانیان، کتاب انصاف‌پور (۱۳۶۳) است که به بررسی صد کتاب از ایران‌پژوهان و ارباب سفرنامه‌ها و مأموران سیاسی خارجی که عمدهٔ مطالب آن‌ها دربارهٔ سرشت و منش ایرانی بوده، پرداخته است. او در این کتاب، فقط عنوان اصلی و عنوان فرعی منش‌های ایرانیان را ذکر کرده و آنگاه متن نظر خارجیان را بدون هیچ توضیح اضافی آورده است. علاوه بر این، وی فقط ذیل هر عنوان فرعی، توضیحات اولیهٔ مختصری داده است. انصاف‌پور در طبقه‌بندی‌ها، هیچ نظم روشی را لحاظ نکرده و بیشتر با استقرای ناقص، موارد را کنار هم قرار داده است.

فلاحی هم در کتاب *رفتارشناسی / ایرانیان* (۱۳۹۰) به بررسی روحيات، فرهنگ و رفتار مردم ایران پرداخته است. وی بر این باور است که «در بررسی رفتارشناسی ایرانیان، به دیدگاه‌های آن دسته از ایران‌پژوهان داخلی دوره معاصر که با دیدی انتقادی به بررسی رفتارهای دو سده کنونی مردم ایران پرداخته‌اند و همچنین روایت‌ها و سفرنامه‌های جهانگردانی که به ویژه در دو قرن اخیر به ایران آمده‌اند، بسنده شده است» در کار فلاحی نیز نمی‌توان چارچوب نظری روشنی برای بررسی رفتار ایرانیان دید. هرچند او برخی مطالب را ذکر کرده، طبقه‌بندی رفتارهای وی، براساس آن‌ها نیست.

عنوان کتاب دیگر، *تاریخ‌پژوهی در آسیب‌شناسی اخلاقی / ایرانی‌ها* (غفاری‌فرد، ۱۳۹۲) است. نویسنده در فصول این کتاب، به ذکر منش‌های منفی ایرانیان با شرح عناوین زیر می‌پردازد: دروغ‌گویی و یاوه‌پنداری، چاپلوسی، صوفی‌گری، باده‌پیمایی و می‌گساری، زن‌بارگی و آمرُدبازی، ستمگری، دورویی و ریاکاری و نیرنگ‌بازی، پیمان‌شکنی و ناسپاسی. کتاب بدون نتیجه‌گیری پایان می‌پذیرد و هیچ طرح نظری

درباره طبقه‌بندی منش منفی یا علت وقوع آن ندارد. همچنین شواهد کتاب در مورد هر منش، برگرفته از تاریخ، ادبیات و سفرنامه‌ها است.

در کنار این مطالعات که در قالب کتاب به چاپ رسیده‌اند، مجله آیین نیز در یک شماره خود (۲۸ و ۲۹، خرداد و تیر ۱۳۸۹) بحثی ویژه در «خلق‌و‌خوی ایرانی» دارد. بنیاد فرهنگی بازرگان نیز در مجموعه هم‌اندیشی‌هایی درباره «روحیات و خلق‌و‌خوی ایرانیان» که اولین نشست آن در ۲۳ تیر ۱۳۸۶ و جلسه بیست‌ودوم آن در ۲۹ فروردین ۱۳۸۸ برگزار شده، عمدتاً نظریه بازرگان را مورد بررسی عمیق‌تر قرار داده است. این جلسات به‌همّت دکتر مقصود فراستخواه برگزار شده و نگارنده نیز در جلسه نوزدهم آن، بحثی در خلق‌و‌خوی ایرانیان از منظر نظریه بازی ارائه کرده است.

کتاب‌های دیگری نیز در این عرصه حضور دارند، از قبیل: ایرانی از نگاه انیرانی: خلق و خوی ایرانی از نگاه سیاحان (جوانبخت، ۱۳۷۹)، نظری و گذری بر زخم‌های فرهنگی ما ایرانیان (ارجائی، ۱۳۸۷)، اخلاق و سرشت ایرانیان (ابونیا‌عمران، ۱۳۸۸) و آسیب‌شناسی فرهنگی ایران در دوره قاجار (کوثری، ۱۳۷۹). به برخی از آن‌ها در جریان نظریات تحقیق اشاره خواهد شد؛ اما به‌صراحت می‌توان گفت که پژوهش‌های جامعی در زمینه «خلقیات پژوهی» وجود ندارد. دکتر ابراهیم حاجیانی در کتاب جامعه‌شناسی اخلاق (۱۳۹۳) تقریباً تمام داده‌های موجود در ایران را گردآوری کرده است؛ اما هنوز هم علی‌رغم کتاب‌های عامه‌پسند و نیز تحلیل‌های متعدد، تبیین نسبتاً جامعی از وضعیت اخلاق اجتماعی ایران و نیز عوامل مؤثر بر آن (به جز کتاب دکتر حاجیانی) وجود ندارد و لازم است که از منابع دیگر برای بررسی اخلاق اجتماعی در ایران استفاده کرد.

سفرنامه‌ها، منابع مکمل تحقیق در بررسی خلقیات در ایران

یکی از موضوعات مهم در بررسی وضعیت اخلاق اجتماعی در ایران، علل و زمینه‌های تاریخی آن است. اجمالاً می‌توان گفت که دوره‌های طولانی ناامنی و استبداد، یکی از مهم‌ترین علل شکل‌دهنده به صورت‌های خاصی از اخلاق اجتماعی در ایران هستند و این وضعیت‌ها را نسبتاً پایدار کرده‌اند؛ لذا می‌توان «خلقیات» را

به معنای رفتارهای نهادینه شده در جامعه بازیابی کرد. دهخدا در تعریف خُلق، آن را خوی، طبع، نهاد، سرشت، خصلت، سیرت، طبیعت، مشرب و مزاج معنی می کند و می گوید: «خُلق عبارت است از هیئتی که برای نفس پیدا می شود و در آن، راسخ می گردد، به وجهی که افعال از نفس به سهولت و بی اندازه فکری سر می زند.» خلیقات^۱ در ادبیات علوم اجتماعی با مفاهیمی همچون منش یا عادت واره^۲ بورديو، شخصیت ملی^۳، شخصیت اساسی^۴، شخصیت شایع یا نمایی^۵ و طبع و مشرب و مزاج^۶ نزدیک است.

مهدی ثریا شخصیت شایع را چنین تعریف می کند که زمانی است که «بیشتر افراد جامعه، خلق و خو، عادات رفتاری، گفتاری، امیدها و اضطراب هایشان شبیه به هم باشد.» (ثریا، ۱۳۸۴: ۴۰) شخصیت ملی یا منش ملی یا شخصیت اساسی «تصور کلی از روحیات و افراد اقوام و ملت ها است»؛ یعنی «عادت ها، خلق و خوی و طرح و بافت رفتارها و ارزش گذاری های مشترک افراد یک ملت.» (همان، ۴۴) در نظریه بورديو، عادت واره خصلتی از نظام های پایدار است که فرد در جریان جامعه پذیری به دست آورده است. خصلت ها عبارت اند از نگرش ها، تمایلات ادراکی، احساسات، کردارها و اندیشه هایی که افراد به علت شرایط عینی وجودی شان درونی کرده اند و از این رو، به صورت اصول ناآگاهانه کنش، ادراک و بازاندیشی عمل می کنند. «دو جزء تشکیل دهنده عادت واره عبارتند از: خلیقات^۷ و عادت. خلیقات یعنی اصول یا ارزش ها در موقعیت عملی آنهاست، شکل درونی شده، و ناآگاهانه اخلاقی که رفتار روزانه را تنظیم می کند: خلیقات طرح واره هایی برای کنش هستند، اما به شیوه ای ناآگاهانه (از این رو خلیقات نقطه مقابل اخلاقیات اند که شکل نظری، مستند، تصریحی و رمزگذاری شده اخلاق است.) عادت نیز پایه

¹ Ethics

² Habitus

³ National Character

⁴ Basic Personality

⁵ Modal Personality

⁶ Disposition

⁷ Ethos

جسمانی به حالات، خصلت های جسمی و رابطه با بدن اشاره دارد که فرد به طور ناآگاهانه در جریان زندگی درونی کرده است.» (بون ویتز، ۱۳۹۰: ۹۱)

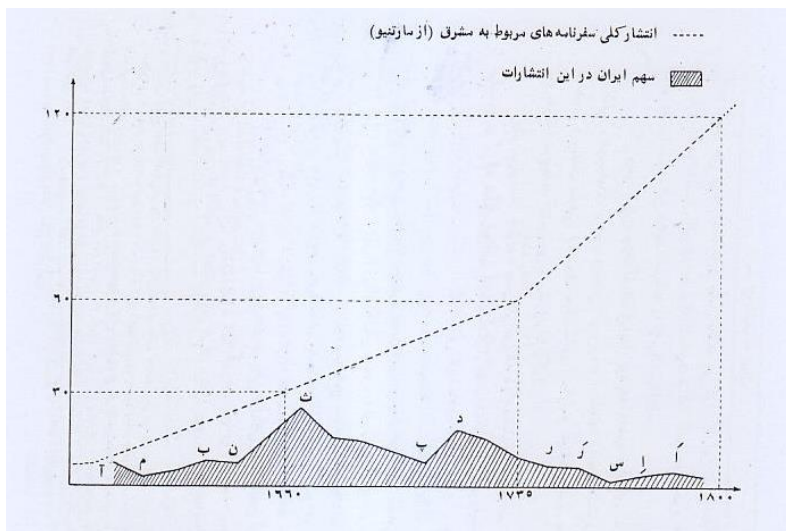
ویژگی مهم خلیقات، عمومیت تاریخی آن است؛ اما درباره وضعیت خلیقات ایرانیان و به صورت عام، درباره وضعیت اجتماعی در تاریخ ایران، داده های مناسبی در دسترس نیست. تاریخ نویسی کلاسیک به وقایع سیاسی اهمیت داده و از این رو، رفتارهای اجتماعی، خارج از محدوده بررسی اش بوده است؛ لذا در این شرایط است که رجوع به منابع جایگزین، اهمیت می یابد و یکی از مهم ترین و در دسترس ترین منابع جایگزین، سفرنامه ها هستند. فرنگیانی که از ایران بازدید کرده و گزارش سفر خود را منتشر ساخته اند، با نگاهی بیرونی، جامعه ایران را کاویده اند و این نگاه از ۵۵۰ سال پیش از میلاد (فیساغورث، ۱۳۶۳) تا وقایع سال ۱۳۸۸ (میشل و وودز، ۱۳۹۰/۲۰۱۱) را دربرمی گیرد. تعداد این سفرنامه ها و گزارش ها بیش از هزار مورد است. گزارش های اندکی درباره ایران پیش از اسلام وجود دارد. در سده های میانی تقریباً هیچ موردی نیست و ناگهان بعد از حمله مغول، رشد شتابان به خود می گیرد. به نظر ژان شیبانی در کتاب سفر/روپاییان به ایران (۱۳۵۳)، ایران تا سال ۱۶۶۰، علی رغم ورود به جرگه کشورهای اسلامی، از نظر فرنگیان به صورت پادشاهی باستانی ایران باقی ماند. البته از آن تاریخ به بعد، با هجوم مسافران اروپایی، نگرش به ایران عوض شد و ایران مقبولیت عام یافت. نخستین مسافران فرانسوی به ایران، ناخدایان کشتی ها، سوداگران و ماجراجویان بودند. بعدها، جست و جوی امور شگفت، تحصیل عملی زبان و تبلیغات مذهبی به این انگیزه ها اضافه شد. (شیبانی، ۱۳۵۳: ۲۷) مسافران مغرب زمین اطمینان داشتند که در اصفهان و در تبریز، با هم کیشان خود روبه رو می شوند و از مساعدت آن ها برخوردار می گردند. به علاوه ایران، مرکز مهم بازرگانی بود و بر سر راه هندوستان قرار داشت. جمع آوری نسخه های خطی (که با هدایت دولت های اروپایی انجام می شد)، از انگیزه های دیگر سفر بود. دیگر نقاط مثبت سفر به ایران برای سیاحان اروپایی در عصر صفوی، عبارت بود از: امنیت راه ها؛ وجود وسایل راحتی در کاروان سراها (به گفته شاردن، اصفهان دارای ۱۸۰۲ کاروان سرا است)؛ لطافت آب و هوا و روشنائی آسمان ایران؛ مهمان نوازی آمیخته با ظرافت و صفای ایرانیان؛ استقبال حاکمان

ایرانی از مسافران اروپایی و تقدیم هدایا به آنان؛ و جاذبه‌های شهرهای بزرگ ایران، مانند اصفهان و تبریز. (همان، صص ۲۷-۴۰)

به این دلایل، در دوره صفوی، سفر به ایران ناگهان افزایش یافت. آن‌ها که به ایران می‌آمدند، انگیزه‌های گوناگونی داشتند. در یک نگاه اجمالی، می‌توان طبقه‌بندی زیر را از این انگیزه‌ها در دوره صفوی داشت:

- سیاسی: تشکیل صفویه، عثمانی را از حمله به اروپا باز داشت؛ لذا سَفرا و نمایندگان سیاسی کشورهای اروپایی با هدف انعقاد معاهدات دوستی و اتخاذ منش دیپلماسی و نظامی مشترک بین ایران و اروپا، به ایران اعزام می‌شدند. (البته بعداً، جاسوسی نیز به این انگیزه‌ها اضافه شد).
- تجارت و بازرگانی: با دشوار شدن حرکت از طریق قسطنطنیه، سیاحان عصر صفوی از راه روسیه و قفقاز به ایران می‌آمدند که راهی طولانی و پُر از راهزنِ اسلاو و قزاق بود. بعدها، راه آبی اقیانوس هند نیز کشف شد.
- سیاحت و ماجراجویی: دالاوله، کارری و تونو از این دسته هستند که به‌قصد سیاحت و گردش به ایران سفر کرده‌اند.
- اعتقادی و مذهبی: بعضی پادشاهان صفوی، مانند شاه‌عباس، تسامح مذهبی داشتند و اجازه می‌دادند روحانیون مسیحی به ایران سفر کنند. این روحانیون در سه قالبِ نمایندگان پادشاه و دولت متبوع خویش، مترجم و همکار هیئت، یا نماینده هیئت مذهبی به ایران می‌آمدند؛ اما هیچ‌یک از این‌ها نتوانستند نهادهای نفوذناپذیری برای پیروان خود در ایران به‌وجود آورند و لذا ورود آن‌ها به‌تدریج کاهش یافت.
- زبان‌شناسی: به‌منظور فراگیری زبان فارسی، افرادی همچون کروسینسکی و سانسون به ایران آمدند. اوّلناریوس در اقامت یک‌سال و نیمه خود، به کمک یک یهودی ایرانی به‌نام حق‌وردی، گلستان سعدی را به آلمانی ترجمه و در سال ۱۶۶۰ در هامبورگ منتشر کرد.
- برخی دیگر هم بودند که به‌عنوان سرباز، کارمند، منشی و پزشک (مانند کمپفر) به‌همراه هیئت‌های سیاسی به ایران آمدند و خاطرات خود را نوشتند. (بهرام نژاد، ۱۳۷۷: ۳۸-۳۹)

سفرها که زیاد شد و سفرنامه‌ها که منتشر شدند (توضیحات بیشتر در این باره در بخش‌های بعدی آمده است)، «تصویر از ایران و ایرانیان» نیز ساخته شد و این تصویر، تا سده‌های بعدی، معرّف ایران شد. شکل ۱ نشان می‌دهد که در حدود سال ۱۶۶۰، قسمت مهم سفرنامه‌های نوشته‌شده در باره شرق، سفرنامه‌های به ایران است و این میزان در ۱۷۳۵ به شدت افول می‌کند و این سهم، در سال ۱۸۰۰ بسیار ناچیز می‌شود. نقطه عطف سفرنامه‌های درباره ایران، یکی از اولین سفرنامه‌های نوشته‌شده در باره ایران بود. سیاحت‌نامه ده‌جلدی شاردن که یک دائرةالمعارف کامل درباره ایران عهد صفوی (پس از شاه‌عباس) است، مرجع بسیاری از نگرش‌ها درباره ایران و شرق شد. کتاب شاردن در زمانه‌ای نوشته شد که آغاز توجه غربیان به شرق بود و تقریباً همه‌چیز را درباره شرق می‌گفت؛ لذا دور از انتظار نبود که با این همه استقبال روبه‌رو شود.



شکل ۱. انتشار سفرنامه‌های مربوط به شرق، و سهم ایران از آن، ۱۶۰۰-۱۸۰۰ (شیبانی، ۱۳۵۳: ۱۳۵)

درباره شاردن، جدای از شرح جامعی که خود وی در کتاب خود می‌دهد، درک وان در کریس، استاد دانشگاه آنورس بلژیک، در کتاب *شاردن/ ایرانی* (۱۳۸۰)

اطلاعات کاملی از سفر شاردن، شخصیت وی و تأثیر این سفرنامه ارائه می‌کند. از جمله این تأثیرها این بود که ژان ژاک روسو، همه سفرنامه شاردن را به‌دقت خوانده بود و معتقد بود که «شاردن چیزی را برای گفتن در باره ایران باقی نگذاشته است.» ولتر نیز در داستان‌هایی مانند زادبگ (صادق؟) از شاردن متأثر است. منتسکیو نیز از شاردن تأثیر پذیرفته است. این تأثیر نه فقط در نامه‌های ایرانی، بلکه در روح/القوانین نیز مشهود است. منتسکیو بارها برای تأیید نظرات خود خواننده را به سفرنامه شاردن ارجاع می‌دهد. (برای نمونه: «آقای شاردن می‌گوید که تمام شاهان خاورزمین همیشه یک وزیر اعظم دارند»، «در ایران هم وقتی شاه کسی را محکوم کرد دیگر نمی‌توان در این باب به او سخنی گفت و درخواست بخشش هم نمی‌توان کرد»، «از قرار گفته آقای شاردن، در ایران هیچ‌گونه شورای دولتی وجود ندارد»، یا درباره برتری مذهب بر امر شاه می‌نویسد «رجوع شود به سفرنامه شاردن.» (کرویس، ۱۳۸۰: هشت) او پیش از سفر به پاریس تمام سیاحت‌نامه شاردن را خوانده بود. (مقدمه اقبال یغمایی بر سفرنامه شاردن، ۱۳۷۲: ۱۳) روسو نیز در کتاب یادداشت‌هایی درباره ریشه نابرابری می‌نویسد: «شاردن گوهرکار که همانند افلاطون به سفر رفته، در باره ایران چیزی نگفته باقی نگذاشته است.» (همان، ص ۳۱) روسو بعد از خواندن شرح صدوهفتاد صفحه‌ای شاردن از تخت جمشید، در کتاب در باب ریشه زبان‌ها می‌نویسد: «نمی‌دانم چرا از این ویرانه های اعجاب انگیز این همه کم صحبت می‌شود. من وقتی شرح آن را در کتاب شاردن می‌خوانم گمان می‌کنم مرا به دنیای دیگری برده اند. به نظر من همه این چیزها آدمی را به شدت در اندیشه فرو می‌برد.» (همان: ۲۲۲)

کتاب اصلی شاردن در سال ۱۶۸۶ با عنوان روزنامه سفر شوالیه شاردن در ایران و سرزمین‌های هند خاوری از راه دریای سیاه و کولشید بخش نخستین شامل مسافرت از پاریس به اصفهان در لندن منتشر می‌شود. (کرویس، ۱۳۸۰: ۳۵۷) کتاب سفرهای آقای شوالیه شاردن در ایران و دیگر بلاد خاورزمین در سال ۱۷۱۱ در پنج جلد در آمستردام منتشر می‌شود. (همان: ۴۴۹) این کتاب در آن سال دو بار چاپ شد. در ۱۷۲۳، دو سال بعد از نامه‌های ایرانی منتسکیو، چهار ناشر هم‌زمان آن را در فرانسه منتشر کردند. در ۱۷۳۵، در آمستردام تجدید چاپ شد.

در ۱۸۱۱ نیز نسخه منقح شده‌ای از آن در پاریس منتشر شد. (همان: ۲۶۹) در ۱۷۲۰ نیز ترجمه دوجلدی انگلیسی سفرنامه منتشر شد. (همان: ۴۷۰) در مجموع، تا سال ۱۸۱۱، سفرنامه شاردن، چهارده بار چاپ و ترجمه شده است (به انگلیسی، فلاماندی، آلمانی). (مقدمه اقبال یغمایی، شاردن، ۱۳۷۲: ۱۲)

شاردن، فقط یک نمونه بود، هرچند که سفرنامه شاردن معروف‌ترین سفرنامه درباره ایران است و پس از آن، فقط یک کتاب دیگر درباره ایران بود که «تصویر از ایران» را شکل داد و آن هم به‌غایت منفی: حاجی بابای اصفهانی؛ جمیز موریه، که در سال ۱۸۲۵ منتشر شد. حاجی بابا یک کتاب داستانی است که از دو سفر طولانی مدت موریه به ایران (۱۸۰۸-۱۸۰۹، ۱۸۱۰-۱۸۱۵) گرفته شده است. کتاب حاجی بابا در داخل و خارج ایران توسط ایران جدی گرفته شد و ترجمه‌ها و تصحیح‌ها و چاپ‌های متعددی از آن موجود است. به نوشته رایین (۱۳۵۷: ۱۳۲)، هشت چاپ از این کتاب فقط در هندوستان به‌طبع رسیده است؛ اولی آن در ۱۲۳۳ قمری (۱۹۰۶)، ترجمه میرزا اسدالله خان شوکت‌الوزرا در ۱۹۰۶، چاپ سربی ترجمه میرزا حبیب در کلکته در ۱۹۰۷، چاپ دیگری از ترجمه میرزا حبیب با مقدمه کلنل فلات (فیلوت) کنسول انگلیس در کرمان در ۱۳۴۸ قمری (که تصور می‌کرد ترجمه از شیخ احمد روحی است، نه میرزا حبیب) و ترجمه‌ای توسط میرزا اسماعیل طهرانی متخلص به حیرت در بمبئی. در داخل کشور نیز به نوشته رایین، اولین بار ترجمه میرزا حبیب با مقدمه کلنل فلات در ۱۳۲۱ شمسی در پانصد نسخه منتشر شد، چاپ دیگری توسط بنگاه پروین در ۱۳۲۱، در ۱۳۴۰ توسط کتابفروشی شهریار اصفهان مجدداً چاپ شد و در سال ۱۳۴۸، ترجمه میرزا حبیب توسط محمدعلی جمالزاده دوباره نویسی و منتشر شد. در سال ۱۳۷۹ نیز ترجمه میرزا حبیب توسط جعفر مدرس صادقی مجدداً ویرایش و منتشر شد. این کتاب همچنین در سال ۱۳۷۶ توسط مهدی افشار دوباره ترجمه شده است. ترجمه میرزا حبیب آن اندازه ادیبانه بود (نگاه کنید به بالایی، ۱۳۷۷) و به مذاق ایرانیان خوش آمد که عده‌ای نویسنده کتاب را میرزا حبیب می‌دانستند، نه جمیز موریه.

این دو نمونه، هم ظرفیت سفرنامه‌ها را برای بررسی رفتار اجتماعی در ایران نشان می‌دهند و هم تأثیر آن‌ها را بر ساخته‌شدن مفهوم از ایران و ایرانی در

جهان. هر دوی این‌ها، ضرورت توجه به سفرنامه‌ها را در بررسی خلیقات ایرانیان نشان می‌دهد.

سفرنامه پژوهی

تعداد سیاحانی که به ایران سفر کرده‌اند بسیار زیاد است و آن‌ها که گزارش سفر خود را نوشته‌اند، متجاوز از هزار نفر هستند؛ اما بخش اندکی از این گزارش‌های سفر به فارسی ترجمه شده است. (ر.ک. مقاله محسنیان راد، ۱۳۷۱-۱۳۷۲) البته همین اندازه از گزارش هم که منتشر شده، اطلاعات مهمی از زندگی اجتماعی در ایران ارائه می‌کند. نشانه‌هایی از اهمیت این اطلاعات، حجم گسترده توجه پژوهشگران به آن است.

هنوز کتاب‌شناسی جامعی در مورد معرفی سفرنامه‌ها و سیاحانی که از ایران بازدید کرده‌اند وجود ندارد؛ اما مقالات و کتاب‌های متنوعی تاکنون در این زمینه به چاپ رسیده است. در یک طبقه‌بندی اجمالی، می‌توان انواع منابع «درباره» سفرنامه‌ها (اعم از کتاب و مقاله) را چنین دسته‌بندی کرد:

- حجم چشمگیری از مقالات و پژوهش‌ها درباره سفرنامه‌ها، به بررسی و معرفی یک سفرنامه خاص (ترجمه‌شده یا نشده) یا مقایسه چند سفرنامه معدود پرداخته‌اند که می‌توان فهرست مفصل آن‌ها را در کتاب کماجی و حاجی حسین تهرانی (۱۳۹۰) دید.
- برخی محققان، سفرنامه‌ها را از منظر «جغرافیایی» خاصی و با تمرکز بر مناطقی از ایران بررسی کرده‌اند. عناوین برخی از این پژوهش‌ها، کتاب‌ها و مقالات چنین است: لرستان در سفرنامه سیاحان (آریا، ۱۳۷۶)؛ قم از نگاه بیگانگان (صاحبی، ۱۳۸۴)؛ جغرافیای تاریخی سیستان: سفر با سفرنامه‌ها (احمدی، ۱۳۷۸)؛ یزد در سفرنامه‌ها (قلم‌سیاه، ۱۳۷۵)؛ یزد در آیین سفرنامه‌ها (قلم‌سیاه، ۱۳۷۸)؛ گیلان در سفرنامه‌های سیاحان خارجی (نیکویه، ۱۳۸۶)؛ استرآباد در سفرنامه‌های عصر قاجار (گوهری‌راد، ۱۳۹۰)؛ گلگشت: سیمای استان زنجان از منظر سیاحان و سفرنامه‌نویسان (متقی، ۱۳۸۲)؛ سیاحان و گیلان‌شهرها (کشوردوست و

دستیاران، (۱۳۸۸)؛ کرمانشاهان در سفرنامه سیاحان (کشاورز، ۱۳۸۳)؛
گُرد در سفرنامه‌ها (صفی‌زاده، ۱۳۸۸)؛ نظر خارجیان دربارهٔ اصفهان
(طوسی، ۱۳۷۸)؛ شهر قم در سفرنامه‌ها و متون خارجی (سروقدی،
۱۳۷۴)؛ بلوچستان در سفرنامه‌های دورهٔ قاجار (سپاهی، ۱۳۸۲ و
۱۳۸۳)؛ کرمانشاه در آیین سفرنامه‌ها (زنگنه، ۱۳۸۰)؛ جنوب ایران به
روایت سفرنامه‌نویسان (زنگنه، ۱۳۸۰)؛ طهران قدیم از نگاه سیاحان و
خاورشناسان جهان (جان‌زاده، ۱۳۸۸)؛ شیراز قدیم و تخت جمشید از
دیدگاه سیاحان و خاورشناسان جهان (جان‌زاده، ۱۳۸۳)؛ اصفهان قدیم از
دیدگاه سیاحان و خاورشناسان جهان (جان‌زاده، ۱۳۸۳)؛ تبریز از نگاه
جهانگردان (خامچی، ۱۳۸۹)؛ اصفهان از دید سیاحان خارجی (اشراقی،
۱۳۷۸)؛ اصفهان و خاندان صفویه از دیدگاه نویسندگان و جهانگردان
انگلیسی در قرون ۱۶، ۱۷ و ۱۸ میلادی (توتونی، ۱۳۷۴)؛ اماکن مقدسه
در سفرنامه‌ها (سمواتی، ۱۳۸۸)؛ اهداف سیاحان و شرق‌شناسان از سفر
به کردستان (پیربال و صدیقی، ۱۳۸۱)؛ تبریز از دیدگاه سیاحان خارجی
قرن هفدهم (بهرامی، ۱۳۵۶)؛ اصفهان عصر صفوی به روایت سفرنامه‌های
اروپاییان (اعرابی هاشمی، ۱۳۷۸)؛ کتاب‌شناسی سرزمین‌های گردشگران
در سفرنامه‌ها (دهقان، ۱۳۸۴)؛ سیری در سفرنامه‌های بلوچستان
(سرافرازی، ۱۳۸۲-۱۳۸۳)؛ بلوچستان در سفرنامه‌های دورهٔ قاجار
(سپاهی، ۱۳۸۲-۱۳۸۳)؛ حضرت عبدالعظیم (ع) و شهر ری در سفرنامه‌ها
(صادقی، ۱۳۸۲)؛ وضعیت شهر تهران در عصر ناصری از دید
سفرنامه‌نویسان خارجی (دهقان نیری و عبداللهی، ۱۳۹۰)؛ حرم حضرت
معصومه (س) از نگاه سفرنامه‌نویسان اروپایی (امیری، ۱۳۸۴)؛ لارستان در
سفرنامه‌های عصر صفوی (براقی، ۱۳۸۴)؛ هنر اصفهان از نگاه سیاحان از
صفویه تا پایان قاجار (مختاری اصفهانی و اسماعیلی، ۱۳۸۵)؛ جلوه‌هایی
از فرهنگ مردم ایران در سفرنامه‌ها (خلعتبری لیماکی، ۱۳۸۷)؛ بررسی
سفرنامه‌های دورهٔ صفوی (دانش‌پژوه، ۱۳۸۵)؛

- برخی از منظر «موضوعی» سفرنامه‌ها را کلایده‌اند؛ برای نمونه: مسجد در سفرنامه‌ها (دبیرخانه ستاد عالی هماهنگی و نظارت بر کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد، ۱۳۸۴)؛ هنر اصفهان از نگاه سیاحان از صفویه تا پایان قاجار (مختاری اصفهانی و اسماعیلی، ۱۳۸۵)؛ لباس ایرانیان در آئینه سفرنامه‌ها (فریدزاده، ۱۳۸۸)؛ باورهای عامیانه در ایران به گزارش سیاحان غربی (شعربافیان، ۱۳۸۳)؛ زن ایرانی به روایت سفرنامه‌های ایرانی و غیرایرانی در دوره صفویه (سیفی چرمپینی، ۱۳۸۷)؛ زرتشتیان در سفرنامه‌ها (رمضانخانی، ۱۳۸۲)؛ زن ایرانی از نگاه دیگران (ترک‌چی، ۱۳۸۶)؛ امور قضایی و حقوقی ایران در سفرنامه‌ها (علی‌اکبری و خلیلی، ۱۳۸۶)؛ زن ایرانی در عصر صفویه براساس سفرنامه‌ها و گزارش‌های خارجی (خوانساری، ۱۳۸۱)، روایت عزاداری مردم ایران در سفرنامه‌های خارجی: هفتم دسامبر مطابق با اول محرم (حسام مظاهری، ۱۳۸۹)؛ سهم سفرنامه‌های اروپایی در معرفی تشیع ایرانیان در غرب (حسین‌زاده شانه‌چی، ۱۳۸۹)؛ سوگواری محرم در سفرنامه‌های خارجی (جعفریان، ۱۳۷۰)؛ بررسی رویکرد سفرنامه‌نویسان خارجی نسبت به زردشتیان؛ در عصر ناصری و مظفری (صبوری و دیگران، ۱۳۹۱)؛ استبداد و انحطاط ایران از نگاه سفرنامه‌نویسان خارجی (رحمانیان و هژیریان، ۱۳۹۱)؛ زوال تمدن‌کاری ایران به روایت سفرنامه‌های بیگانه روزگار قاجار (رحمانیان و میرزایی، ۱۳۹۱)؛ تأثیر سفرنامه‌های فرانسوی مربوط به ایران بر ذهنیت خوانندگان در قرن هجدهم (فروغی، ۱۳۸۱)؛ جلوه رضوی در مهم‌ترین سفرنامه‌های غربیان در دوره قاجار و اوایل پهلوی (طاهری، ۱۳۸۶)؛ سرعنوان‌نویسی مفاهیم ایران‌شناسی در سفرنامه‌های ترجمه‌شده عصر قاجار (وفادوست، ۱۳۸۷)؛

- برخی پژوهشگران نیز سفرنامه‌ها را در یک دوره زمانی خاص بررسی کرده‌اند، برای نمونه: ایران صفوی از دیدگاه سفرنامه‌های اروپاییان (شوستر والسر، ۱۳۶۴)؛ بررسی سفرنامه‌های دوره صفوی (دانش‌پژوه، ۱۳۸۵)؛ اهمیت تاریخی سفرنامه‌های ایران ۱۴۰۰-۱۹۰۰ میلادی

(میراحمدی، ۱۳۶۸)؛ مسافرت‌هایی که در قرن یازدهم به ایران شده است (دو مناش، ۱۳۳۷)؛ فرهنگ ایرانیان از دیدگاه جهانگردان و نویسندگان اروپایی سده هفدهم میلادی (غروی، ۱۳۵۴).

- بعضی از محققان، سفرنامه‌ها و سفرنامه‌نویسان یک کشور یا منطقه جغرافیایی خاص را مورد توجه قرار داده‌اند، منابعی همچون: نگرانی مسافران ژاپنی از یک سده پیش درباره حال و آینده ایران (رجب‌زاده، ۱۳۸۱)؛ مسافرن اسپانیولی و پرتغالی در ایران (ویلسن، ۱۳۱۳-۱۳۱۴)؛ فهرست کتاب‌های آلمانی درباره ایران (کاظمی، ۱۳۴۹)؛ کتاب‌های فرانسه درباره ایران (صبا، ۱۳۴۵)؛ سیاحان آلمانی که در عصر صفویه از ایران دیدن نموده‌اند (شفیعی و روشن‌ضمیر، ۱۳۵۰)؛ جهانگردان فرانسوی در ایران سده هفدهم میلادی (حدیدی، ۱۳۴۴)؛ سفرنامه‌های پرتغالی و اسپانیولی درباره ایران (جوادی، ۱۳۵۶)؛ تحلیل محتوای سفرنامه‌های ترجمه‌شده سیاحان انگلیسی درباره ایران (بنی‌اقبال و حیدری، ۱۳۸۸).

- به‌علاوه، کتاب‌های تحقیقی مهمی نیز درباره سفرنامه‌های حوزه‌های جغرافیایی خاص نگاشته شده است. کتاب روسیه و ایران در بازی بزرگ (آندری یوا، ۱۳۸۸) به شرح سفرنامه‌های روسی درباره ایران پرداخته است. درباره انگلیسیان، مهم‌ترین کتاب، اثر دنیس رایت (۱۳۸۹) با عنوان انگلیسی‌ها در میان ایرانیان در طول دوره قاجاریه ۱۷۸۷-۱۹۲۱ است و درباره فرانسویان، مقاله مفصل تورز (۱۳۸۲) با عنوان «تصویری از ایران؛ بررسی مضمونی عناوین سفرنامه‌های فرانسویان به ایران» به فارسی ترجمه شده است. پیش از آن نیز ابوالحمد و پاک‌دامن، کتاب‌شناسی تمدن ایرانی در زبان فرانسه را در دو جلد (۱۳۵۱ و ۱۳۵۳) براساس بسط کتاب‌شناسی محسن صبا که در سال ۱۹۳۳ در فرانسه و در ۱۳۴۵ به فارسی منتشر شده بود، ارائه کرده‌اند. هاشم رجب‌زاده نیز سفرنامه‌های ژاپنی در خصوص ایران را مورد بررسی قرار داده است (۱۳۸۲). همچنین کتاب‌شناسی سفرنامه‌های موجود در کتابخانه ملی

عبارت است از: فهرست سفرنامه‌ها و کتاب‌های تاریخی روسی موجود در کتابخانه ملی ایران (همایون فرد، ۱۳۶۲)؛ فهرست توصیفی سفرنامه‌های فرانسوی موجود در کتابخانه ملی ایران (پوراحمد جکتایی، ۱۳۵۵)؛ فهرست توصیفی سفرنامه‌های انگلیسی موجود در کتابخانه ملی ایران (پوراحمد جکتایی، ۱۳۵۵)؛ و فهرست توصیفی سفرنامه‌های آلمانی موجود در کتابخانه ملی ایران (بابازاده، ۱۳۵۷). محمود محمود نیز در جلد‌های دوم و پنجم (فصول بیست‌وهشتم، شصت‌ودوم تا هفتادم) کتاب هشت جلدی تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن نوزدهم (۱۳۵۳)، قسمت‌های اساسی مطالب مهم سفرنامه‌های انگلیسیان به ایران را ذکر کرده است.

- برخی مقالات و کتاب‌ها نیز به «موضوعات اجتماعی» در سفرنامه‌ها پرداخته‌اند، مانند: جلوه‌هایی از فرهنگ مردم ایران در سفرنامه‌ها (خلعتبری لیمایی، ۱۳۸۷)؛ فرهنگ عمومی و ارتباطات اجتماعی ایرانیان از نگاه سفرنامه‌نویسان اروپایی در دوران قاجاریه و پهلوی (سپنجی، ۱۳۸۸)؛ تفاوت‌های فرهنگی از نگاه سفرنامه‌نویسان (مقصودی، ۱۳۸۰)؛ اوضاع اجتماعی جامعه روستایی ایران در عصر قاجار براساس گزارش سفرنامه‌نویسان قاجاری (متانی، ۱۳۸۸)؛ بازتاب هویت فرهنگی ایرانیان در سفرنامه‌های عصر صفوی و قاجاری (کریمی، ۱۳۸۶)؛ وصف خلقیات ایرانیان در سفرنامه‌های ژاپنیان (رجب‌زاده، ۱۳۷۶)؛ بررسی تطبیقی پژوهش‌های ایران‌شناسی غربی و شرق‌شناسی (با تکیه بر بازنمایی فرهنگ مردم ایران در سفرنامه‌های اروپاییان در دوره قاجار) (زند، ۱۳۸۹)؛ خصوصیات مردم اصفهان در سفرنامه‌های اروپاییان (عریضی، ۱۳۷۷)؛ نوع‌شناسی دوسوگرایی جامعه‌شناختی در سفرنامه‌های خارجی عصر قاجار (جمیلی کهنه‌شهری و نادی، ۱۳۹۲)؛ فردگرایی و جمع‌گرایی ایرانیان از دید سیاحان خارجی (وثنوقی و دیگران، ۱۳۸۴)؛ فرهنگ و شخصیت ایرانیان در سفرنامه‌های خارجی (میرزایی و رحمانی، ۱۳۸۷)؛

فهم تاریخی فراغت ایرانی در آثار سفرنامه‌نویسان ایرانی و خارجی (۱۶۰۰ – ۱۹۰۰) (ذکایی، ۱۳۹۱).

همه این منابع یکسان نیستند. برخی مقاله مروری هستند و برخی دیگر پژوهشی. برخی کتاب‌ها نیز مانند جنوب/ایران به روایت سفرنامه‌نویسان (زنگنه، ۱۳۸۰) یا جغرافیای تاریخی سیستان (احمدی، ۱۳۸۷)، گزینش و ترجمه‌ای از سفرنامه‌های خارجی‌ان درباره جنوب ایران و سیستان است؛ ولی غرض ما نشان دادن تنوع منابع درباره سفرنامه‌ها است.

جدای از این منابع تخصصی و خاص، برخی منابع عمومی درباره تاریخ ایران یا کتاب‌شناسی ایران که در آن‌ها نیز ذکر سفرنامه‌ها آمده است، در این حوزه درخور تأمل هستند. دکتر مریم میراحمدی و دکتر غلامرضا وره‌رام، در کتاب کتاب‌شناسی موضوعی تاریخ/ایران (۱۳۶۲) با استفاده از اطلاعات کتابخانه‌های ملی، دانشگاه تهران، دانشگاه تربیت معلّم، دانشگاه شهید بهشتی و کتابخانه مجلس، کتاب‌های فارسی منتشرشده درباره تاریخ ایران را دسته‌بندی کرده‌اند که یکی از این دسته‌بندی‌ها، «سفرنامه‌ها و زندگی‌نامه‌ها و یادداشت‌ها» (صص ۱۴۹-۱۶۴) است. همچنین، در آخر کتاب نیز اعلام برای استفاده بیشتر در دسترس قرار دارد. این کتاب‌شناسی تا دوره زمانی مورد بررسی، مفید و قابل استفاده است. هرچند برخی ایرادها نیز در آن موجود است؛ مانند رامبری به جای وامبری (ص ۱۵۴) یا اینکه از رابینو، فقط یک کتاب فهرست شده است (سفرنامه مازندران و استرآباد) (ص ۱۵۴)، درحالی‌که حداقل چهار سفرنامه و مشاهده دیگر از رابینو موجود است و این‌ها به‌جز کتاب‌های تحقیقی رابینو درباره صنعت نوغان و روزنامه‌نگاری در ایران است.

علاوه‌بر منابع تخصصی که برخی از آن‌ها در بالا ذکر شد، منابع عامی هم موجودند که به معرفی سفرنامه‌ها و سیاحان پرداخته‌اند. هرچند تعداد این متون «سفرنامه‌پژوهی» اندک است و تناسبی با حجم بالای سفرنامه‌های مرتبط با ایران ندارند، توجه به آن‌ها ضروری است.

الف) ظاهراً اولین کار پژوهشی درباره سفرنامه‌های درباره ایران را لرد کِرزن انجام داده است. او در ابتدای کتاب/ایران و قضیه/ایران (۱۳۶۷) می‌نویسد:

کمتر کشوری که تا این اندازه کم مسافر داشته و این همه زیاد کتاب و آثار راجع به آن تصنیف شده است. دلیل آن هم این است که در نظر هر تازه واردی، قدرت نسبی تجربیات او، انگیزه تالیف کتابی شده است. در زمره این قبیل تالیفات، آثاری هست که برای پرداختن آنها حداکثر کار مشقت بار و قابل ستایشی که تاکنون در صنعت چاپ وقوع یافته انجام گردیده ... ناقابل ترین اباطیلی هم که زیر چاپ رفته در میان آنها دیده می شود. (کرزن، ۱۳۶۷: ۳۷)

کرزن وعده می دهد تا در مجلد جداگانه ای، فهرست جامعی راجع به کتاب هایی در باب تاریخ ایران و سفرنامه ها منتشر کند؛ ولی در ابتدای کتاب خود، فهرستی از سفرنامه ها، از آغاز قرن دهم میلادی ارائه می کند که در بررسی های شخصی خود به آنها دسترسی پیدا کرده است. وی معتقد است که این فهرست، اولین فهرست سفرنامه ها درباره ایران است. او سفرنامه هایی را ذکر می کند که این دو شرط را داشته باشند: اصیل بوده و به یکی از زبان های اروپایی ترجمه شده باشد. (ص ۳۸) کرزن به دنبال سه سال کار مداوم و با همکاری ژنرال شیندلر، سرهنگ استوارت، سیسل اسمیت و سر آلفرد لیال، سیصد سفرنامه مربوط به ایران را شناسایی کرده است. او می گوید:

کتاب هایی را که به زبان های اروپایی راجع به ایران در عرض پانصد سال اخیر تا ۱۸۹۵ نوشته شده، شخصاً یکایک آنها را خوانده و یا به هر کدام مراجعه کرده ام ... از صد ارجاعی که شده، حتی یک مورد نمی توان یافت که شخصاً به آن مراجعه نکرده باشیم. (کرزن، ۱۳۶۷: ۱۳)

بر اساس تحقیقات کرزن، تا قبل از ۱۳۰۰ میلادی، فقط موارد زیر از اروپا به ایران سفر کرده اند و سایر سفرنامه ها، سفرنامه های عربی است که به اروپایی ترجمه شده است: بنیامین بن تودلا (تطیلی) ۱۱۷۳ تا ۱۱۶۰؛ فرایر ویلیام دو روبروکس^۱ ۱۲۵۳؛ نیکولو-مافئو مارکوپولو ۱۲۷۳-۱۲۹۴.

بنا به محاسبه کرزن، تعداد سفرنامه نویسان خارجی که از ۱۳۰۰ تا سال ۱۳۰۸ ق/۱۸۹۱م به ایران آمده اند (با دو شرط ذکر شده در بالا) عبارت است از:

¹ Friar W. De Rubruquis

جدول ۱. سیاحانی که از ۱۳۰۰ تا ۱۸۹۱ به ایران آمده‌اند، به تفکیک دوره‌های زمانی

ردیف	دوره زمانی	تعداد سفرنامه‌نویسان اروپایی که به ایران آمده‌اند
۱	از ۱۳۰۰ تا ۱۵۰۰ م	۱۰*
۲	از ۱۵۰۰ تا ۱۶۰۰ م	۱۴**
۳	از ۱۶۰۰ تا ۱۷۰۰ م	۴۱
۴	از ۱۷۰۰ تا ۱۸۰۰ م	۲۹***
۵	از ۱۸۰۰ تا ۱۸۹۱ م	۱۹۰****

* دو سفرنامه (ابن بطوطه و عبدالرزاق) نیز از عربی ترجمه شده است.

** یک سفرنامه (سید علی) هم از عربی ترجمه شده است.

*** دو سفرنامه (دوری افندی و عبدالکریم) ترجمه شده است.

**** دو سفرنامه (حاج عبدالنبی، جنرال گاستیگرخان) ترجمه شده است.

(استخراج از: کرزن، ۱۳۶۷: ۳۸-۴۸)

احمد هاشمیان (۱۳۸۵: ۲۴) برخی از نقایص این فهرست را بیان کرده که اولاً، برخی افراد در همین فاصله به ایران سفر کرده‌اند و بعداً خاطرات خود را منتشر ساخته‌اند، مانند آنتره پرینی^۱ که بین سال‌های ۱۸۸۲-۱۸۸۴ به ایران سفر کرده و خاطرات تنقیح‌شده وی در ۱۹۹۷ در ایتالیا منتشر گشته است. ثانیاً، کرزن از مقالات صرف نظر کرده است؛ اما بسیاری از نوشته‌های خارجیانی که به ایران سفر کرده‌اند، به صورت مقالات چند صفحه‌ای در مجلات علمی زمان خود و در وطن خودشان به چاپ رسیده است. برای نمونه، پولاک علاوه بر سفرنامه خود، مقالاتی دربارهٔ روسپیگری در ایران چاپ کرده که هنوز ترجمه نشده است که البته دلیل آن می‌تواند باورناپذیری و پرده‌پوشی این دست مطالب باشد.

همچنین محسنیان راد (۱۳۷۱-۱۳۷۲: ۳۱۰) برخی دیگر از ایرادات کار کرزن را بیان کرده است؛ از جمله حداقل ۶۰ سفرنامه که در لیست کرزن نیامده‌اند (مانند توماس بانیستر و همراهان که در ۱۵۶۹ از تبریز وارد ایران شده و سفرنامه‌اش در ۱۶۰۰ در لندن منتشر شده است)؛ یا اطلاعات سفر برخی افراد به اشتباه آمده است (مانند آولثاریوس که براساس اطلاعات روی جلد کتابش از ۱۶۳۳ به ایران آمده

¹ Antenore Perini

است؛ اما در کار کرزن، آغاز سفر اولثاریوس، ۱۶۳۷ ذکر شده است؛ و برخی نام‌ها نیز به‌اشتباه در متن ذکر شده‌اند (مانند کی. ای. ابوت که ای. کی. ابوت آمده است).
(ب) یکی دیگر از جامع‌ترین پژوهش‌ها دربارهٔ کسانی که به ایران سفر کرده‌اند. کتاب *تحقیقات جغرافیایی راجع به ایران* (۱۳۴۸) نوشتهٔ آلفونس گابریل،^۱ پزشک و ایران‌شناس اتریشی است که در سال ۱۹۵۲ پس از ۱۲ سال تحقیق و مسافرت در ایران، نوشته شده و به قول دکتر حسن جواد «شاید هنوز هم یگانه مطالعهٔ علمی و همه‌جانبه در مورد سیاحان اروپایی در ایران از قدیم‌ترین ایام تا دوران جنگ جهانی اول باشد.» (جواد، ۱۳۷۸: هفت) این کتاب، توسط فتحعلی خواجه‌نوری (و بعد از مرگ وی توسط پسرش، هومان خواجه‌نوری) ترجمه شده است. کتاب که به دو بخش پیش‌قدمان و عملیات تکمیلی تقسیم شده است از تحقیقات جغرافیایی یونانی‌ها و رومیان آغاز شده و تا اکتشافات جغرافیایی در ایران پس از جنگ جهانی اول ادامه پیدا می‌کند. (آخرین منبع کتاب، مربوط به سال ۱۹۵۰ است).

گابریل تقریباً هر کسی را که وارد ایران شده، در فهرست خود جای داده و اطلاعات نسبتاً کاملی نیز به وی اختصاص داده است؛ اما چون دغدغهٔ گابریل، تحقیقات جغرافیایی بوده، فقط بر تحقیقات کسانی متمرکز شده که در ایران اکتشافات جغرافیایی انجام داده‌اند؛ لذا وی هیچ توضیحی دربارهٔ اینکه این افراد چقدر صلاحیت فهم جامعهٔ ایرانی را داشته‌اند، نمی‌دهد. این در حالی است که او نگاهی انتقادی به تحقیقات جغرافیایی و اکتشافات سیاحان فرنگی دارد؛ لذا علی‌رغم اهمیت کتاب گابریل، نمی‌توان از آن به‌عنوان یک منبع درجهٔ یک دربارهٔ بررسی آداب‌ورسوم مردم ایران استفاده کرد.

(پ) پژوهش منتشرشدهٔ دیگر، کتاب دو جلدی دکتر غلامعلی همایون، متخصص تاریخ هنر و استاد دانشگاه تهران، با عنوان *اسناد مصوّر اروپاییان از ایران: از اواسط قرون وسطی تا اواخر قرن هجدهم* (۱۳۴۸) است. در این کتاب مجموعه‌ای از اسناد مصوّر اروپاییان از ایران در فاصلهٔ زمانی قرون وسطی تا اواخر قرن هجدهم میلادی، ارائه و بررسی شده است. در جلد اول این مجموعه، فعالیت‌های اروپاییان در ایران از دوران یونانی‌ها تا اواخر قرن هجدهم میلادی

¹ Alfons Gabriel

واکاویده شده و گزارش‌های آن‌ها بررسی و نقد شده است. در بخش دوم، زندگی‌نامه جهانگردانی که کتاب‌های باارزشی از خود به‌جا گذاشته‌اند، همراه با تجزیه و تحلیلی از سفرنامه‌های آنان در ایران، آورده شده است. در این بخش، خصوصیات، شکل و محتوای سفرنامه‌ها مورد توجه قرار گرفته است. تجزیه و تحلیل علمی اسناد مصور این سفرنامه‌ها، قسمت اساسی جلد دوم این مجموعه را تشکیل می‌دهد. اسناد معرفی شده در این کتاب، به‌طور عموم و تا حد امکان، تصویری خاص از ایران در ذهن اروپاییان به‌وجود می‌آورده که قبلاً موجود نبوده است. (برگرفته از مقدمه نویسنده). تأکید اصلی این کتاب، روی تصاویر موجود در سفرنامه‌ها است؛ اما علاوه بر آن، اطلاعات چشمگیری نیز درباره سفرنامه‌ها می‌دهد. جلد اول کتاب شامل ۱۲۷ و جلد دوم آن دربرگیرنده ۱۴۷ تصویر است (که برخی هم تکراری است) و در متن کتاب درباره این تصاویر بحث شده و توضیحاتی ارائه شده است. در جلد اول، درباره کلیات این تصاویر و ارتباط آن‌ها با سفرنامه و در جلد دوم، درباره تجزیه و تحلیل علمی تصاویر مباحثی مطرح شده است. قسمت دوم جلد دوم، درباره «سفرنامه‌ها و کتبی که درباره ایران اوایل قرون وسطی تا اواخر قرن هیجدهم اطلاعات جامعی دربردارند» است. این بخش (۱۴۳-۱۹۰) شامل ۴۱۰ منبع بوده که براساس نام سیاح مرتب شده است و از حرف «آ» (Aa) و آلبرکوک آغاز شده و به زنو ختم می‌شود.

ت) کار مهم دیگر منتشرشده در این باره، اثر ژان شیبانی (۱۳۵۳) است که از پایان‌نامه دکترای وی استخراج و با عنوان *سفر/اروپاییان به ایران* ترجمه شده است. به بخشی از کلیات نظر وی درباره اهمیت سفرنامه‌ها، علل سفر به ایران و دشواری‌های آن، در بخش‌های پیشین اشاره شد. بخش دیگری از کار شیبانی درباره تأثیر سفرنامه‌های مرتبط با ایران در اروپای همان دوران است (و البته در بخش دیگری بر تأثیر آن بر جامعه و ادبیات فرانسه نیز پرداخته است).

جدول ۲. انتشار سفرنامه‌های مربوط به ایران

ردیف	عصر	تعداد کتب منتشره و تجدید طبع	دوره تاریخی
۱	۱۶۰۰-۱۶۱۰	۷	تحول در مناسبات اروپا و ایران توسط شاه‌عباس بعد از سفر برادران شرلی
۲	۱۶۱۰-۱۶۲۰	۲	عدم تمایل هانری چهارم برای ارتباط با ایران، تجدید معاهده تجاری فرانسه با تُرک‌ها
۳	۱۶۲۰-۱۶۳۰	۴	
۴	۱۶۳۰-۱۶۴۰	۸	سیاست خارجی لویی سیزدهم و ریشلیو، رونق مسافرت به ایران. فرمان شاه برای مناسبات بین ایران و فرانسه
۵	۱۶۴۰-۱۶۵۰	۷	توسعه مناسبات ایران و فرانسه. توجه لویی چهاردهم به ایران. راه‌های امن مسافرت به ایران. گسترش شرکت هند شرقی (تأسیس در ۱۶۶۴) و حمایت لویی چهاردهم از آن. انتشار سفرنامه‌ها
۶	۱۶۵۰-۱۶۶۰	۱۶	
۷	۱۶۶۰-۱۶۷۰	۲۵	
۸	۱۶۷۰-۱۶۸۰	۱۵	
۹	۱۶۸۰-۱۶۹۰	۱۴	
۱۰	۱۶۹۰-۱۷۰۰	۱۱	
۱۱	۱۷۰۰-۱۷۱۰	۷	
۱۲	۱۷۱۰-۱۷۲۰	۱۸	
۱۳	۱۷۲۰-۱۷۳۰	۱۵	
۱۴	۱۷۳۰-۱۷۴۰	۹	
۱۵	۱۷۴۰-۱۷۵۰	۶	
۱۶	۱۷۵۰-۱۷۶۰	۶	
۱۷	۱۷۶۰-۱۷۷۰	۱	نشر کتاب تاریخ عمومی سقوط‌ها به رهبری پرو. ضربه به پیکر سفرنامه‌ها
۱۸	۱۷۷۰-۱۷۸۰	۴	
۱۹	۱۷۸۰-۱۷۹۰	۵	
۲۰	۱۷۹۰-۱۸۰۰	۳	

(استخراج از: شیبانی، ۱۳۵۳: ۴۳-۶۲)

دورهٔ اول عصر طلایی سفرنامه‌ها (شیبانی، ۱۳۵۳: ۵۹) در جدول بالا، خاکستری شده است. دورهٔ دوم نیز مربوط به سال‌های ۱۷۰۰-۱۷۵۰ است. به این ترتیب، به دنبال رونق نیم‌قرن قبلی، رونق بعدی نیز ایجاد شده بود. نشر بهترین سفرنامه توسط شرکت هند، افزایش ذوق عامه نسبت به سفرنامه‌ها، نشر هزار و یک شب در سال ۱۷۰۴، موفقیت محمدرضا بیگ، سفیر شاه ایران در ۱۷۱۵ و توفیق کتاب نامه‌های/ایرانی منتسکیو (۱۷۲۱)، از مشخصات این دوره است. (شیبانی، ۱۳۵۳: ۶۱)

معروف‌ترین سفرنامه‌های این دوران، از نظر شیبانی، شش سفرنامه زیر است که شیبانی آن‌ها را براساس تعداد نشر بین سال‌های ۱۶۶۰-۱۸۰۰ سنجیده است و با تعداد خواننده در همهٔ زبان‌ها، میزان خوانندگان فرانسوی‌زبان و به تفکیک دوره‌های پنجاه‌ساله، در ۵ جدول جداگانه اندازه گرفته است (شیبانی، ۱۳۵۳: ۴۶-۴۹). خلاصهٔ این یافته‌ها در جدول زیر آمده است.

جدول ۳. معروف‌ترین سفرنامه‌ها و میزان تجدّد چاپ آن‌ها

مؤلف	اولین انتشار	تجدید چاپ	ترجمه	دفعات کل انتشار	اهمیت
۱ آدام اولناریوس	۱۶۳۹. آلمانی	۱۶۴۷. ۱۶۵۶. ۱۶۶۰. ۱۶۶۳	۱۶۵۱ (هلندی). ۱۵۵۶ (فرانسوی). ۱۶۶۹ (انگلیسی). ۱۶۷۹ (فرانسوی). ۱۷۱۹ (فرانسوی). ۱۷۲۷ (فرانسوی)	۱۱	۱
۲ پیترو دالاوله	۱۶۵۰. ایتالیایی	۱۶۵۳. ۱۶۵۸	۱۶۶۴. ۱۶۶۱ (فرانسوی). ۱۶۶۳ (فرانسوی). ۱۶۶۵ (فرانسوی). ۱۶۶۶ (انگلیسی). ۱۶۷۰ (فلاماندی). ۱۷۴۵ (فرانسوی). فرانسوی ۹	۸	۶

۳	الکساندر رودوس	۱۶۵۳. فرانسوی	۱۶۵۳. ۱۶۶۶. ۱۶۶۸. ۱۶۷۰. ۱۶۸۱	۷	۸
۴	ژان دو تونو	۱۶۶۴. فرانسوی	۱۶۶۴. ۱۷۲۵. ۱۶۷۴. ۱۷۲۷. ۱۶۸۴. ۱۷۰۵. ۱۷۲۳	۱۱	۱
۵	کرنلی دو بروین	۱۶۷۴. فلاماندی	۱۶۹۳. ۱۶۹۸	۱۰	۳
۶	ژان استرویس	۱۶۷۶. هلندی	۱۷۰۵	۹	۵
۷	ژان باتیست تاورنیه	۱۶۷۶. فرانسوی	۱۶۷۷. ۱۶۷۹. ۱۶۸۲. ۱۶۶۲. ۱۷۱۳. ۱۷۲۴	۸	۶
۸	ژان شاردن	۱۶۸۶. فرانسوی	۱۶۸۶. ۱۶۸۷. ۱۷۱۱	۱۰	۳

			۱۷۱۸.			
			۱۷۲۳.			
			۱۷۳۵			

(شیبانی، ۱۳۵۳: ۴۶-۴۹)

به نوشته شیبانی:

سفرنامه تونو شش بار در فاصله ۱۷۰۵ تا ۱۷۲۹ تجدید چاپ شده اما امروزه کمتر کسی از آن خبر دارد. او برادرزاده یک شرق‌شناس معروف بود و عموی سفرنامه وی را شناساند و شرق‌شناسان همان دوره نیز به نشر و اشاعه آن همت کردند. اما او هیچ خاطره‌ای از دوران باستان ندارد و در تخت جمشید جز «تندیس‌ها یا اصنام که اکنون آشیانه لک‌ها شده است» چیزی نمی‌بیند. کتاب رودس کشیش نیز که به دلیل مشغله‌های مذهبی عامه مردم، معروف شده بود، از ۱۶۸۱ به بعد تجدید چاپ نشده است. (شیبانی، ۱۳۵۳: ۴۵)

همچنین، شیبانی (۱۳۵۳: ۱۳۴) نسبت سفرنامه‌های مربوط به ایران را در کل سفرنامه‌های شرق بررسی کرده است. وی بیان می‌کند که از ۱۶۰۰ تا ۱۷۳۵، ایران به‌تنهایی مهم‌ترین قسمت این نشریات را تشکیل می‌دهد. ترکیه، سیام، چین، هند و ژاپن، قسمت دیگر را مشترکاً تشکیل می‌دهند؛ اما پس از ۱۷۳۵، ایران فقط نماینده بخش ناچیزی از انتشارات مذکور است. تاریخ مناسبات اروپا و ملل شرق این تحول را تأیید کرده‌اند. در سال ۱۶۶۰، میزان کل سفرنامه‌های شرق، ۳۰ عدد بوده است؛ این رقم در سال ۱۷۳۵ به ۶۰ مورد رسیده و در سال ۱۸۰۰ به ۱۲۰ سفرنامه افزایش یافته است.

در خصوص این پژوهش، محسنیان راد (۱۳۷۱-۱۳۷۲: ۳۱۱) نقد می‌کند که در کتاب شیبانی نامی از اولتاریوس نیامده است.

ث) دکتر مریم میراحمدی و دکتر غلامرضا ورهرام نیز در کتاب *کتاب‌شناسی موضوعی تاریخ ایران* (۱۳۶۲) با استفاده از اطلاعات کتابخانه‌های ملی، دانشگاه تهران، دانشگاه تربیت معلم، دانشگاه شهید بهشتی و کتابخانه مجلس، کتاب‌های فارسی منتشرشده درباره تاریخ ایران را دسته‌بندی کرده‌اند که یکی از این

دسته‌بندی‌ها، «سفرنامه‌ها و زندگی‌نامه‌ها و یادداشت‌ها» (صص ۱۴۹-۱۶۴) است. همچنین در انتهای کتاب نیز فهرست اعلام برای استفاده بیشتر در دسترس قرار دارد. این کتاب‌شناسی تا دوره زمانی مورد بررسی، مفید و قابل استفاده است. هر چند برخی ایرادات نیز در آن موجود است؛ مانند کلمه رامبری به جای وامبری (ص ۱۵۴) یا اینکه از رابینو فقط یک کتاب فهرست شده است (سفرنامه مازندران و استرآباد). (ص ۱۵۴)

ج) مسعود نوریخس در کتاب *مسافران تاریخ: مروری بر تاریخچه سفر و سیاحتگری در ایران* (۱۳۶۴) به بررسی سیاحانی که از ایران بازدید کرده‌اند، به تفکیک دوره‌های تاریخی می‌پردازد. دوران ماد، هخامنشی، اسکندر و سلوکی‌ها، اشکانی و ساسانی‌ها از دوره‌هایی است که نوریخس به سرعت از آن‌ها گذر می‌کند (به دلیل کمبودن تعداد سیاحان و داده‌ها در آن‌ها). در فصل دوران اسلامی، وی به مقایسه سیاحان مسلمان و غیرمسلمانی که از ایران گذر کرده‌اند، می‌پردازد و اشاره می‌کند:

نکته‌ای که بیش از همه باعث شگفتی است آن است که اکثر این سیاحان (جهانگردان و محققان اسلامی) با راه‌هایی در ایران آشنا بوده‌اند که حتی با وجود پیشرفت وسایل تا امروز به طور کامل از آن عبور نشده است. به ندرت به راه‌هایی در کویر و بیابان‌های ایران برمی‌خوریم که سیاحان دوره اسلامی از آن گفتگو نکرده باشند ... در حالی که سیاحان و مسافران مسلمان، شهرهای مهم شرق و غرب را زیر پا می‌گذاشتند، در ایران و سایر کشورهای مشرق زمین، به ندرت با یک تاجر یا جهانگرد غربی روبرو می‌شویم. (۱۳۶۴: ۵۶)

فصول بعدی کتاب نوریخس، عبارت‌اند از: دوران مغول، دوران تیموری، دوران آق قویونلو، دوران صفوی، پس از سقوط صفویه، دوران قاجار و دوران معاصر. پرجمع‌ترین بخش‌ها، دوران صفوی (۱۵۰ صفحه) و دوران قاجار (۲۷۰ صفحه) است. او در فصول دیگر، شرحی روایت‌گونه از سفرنامه‌ها می‌دهد و البته تأکید اساسی‌اش، چنانچه از عنوان دوم کتاب نیز برمی‌آید، بر سیروسفر است و اهمیتی که بر معرفی کاروان‌سراها و راه‌های ایران دارد، بر زندگی اجتماعی ندارد و به طریق

اولی، مسئله خلقیات منفی در کار او، مسئله‌ای حاشیه‌ای است که به نکات محدودی مانند فحشا خلاصه می‌شود.

عناوین فرعی فصل صفوی نیز چنین است: راه‌های ارتباطی، تأسیسات اقامتی، سیاحت در ایران عصر شاه‌عباس اول، اماکن اقامتی، سیر و گشتی در اصفهان، سیر و گشت با شاردن، آب‌وهوای تبریز و معرفی چند واحد اقامتی بازمانده از دوران صفوی. چون برای نوریخش سفر مهم بوده، وی قسمت «راه‌ها و وسایل سیروسفر» و در حقیقت راهنمای مسافرت به ایران، کتاب *ایران و قضیه ایران* لرد کرزن را عیناً آورده است. (نوریخش، ۱۳۶۴: ۴۳۰-۴۶۰) فصل دوران معاصر نیز بیشتر آیین‌نامه و بخشنامه‌های تأسیس رستوران و قهوه‌خانه و آمارهای مسافرت و گردشگری است. در این کتاب، درباره سفر ایرانیان نیز مطالبی طرح شده است؛ از جمله سیاحت سعدی و زیارت میرزا محمدحسین حسینی فراهانی که در ۱۳۲۰ ق. عازم زیارت خانه خدا شد (نوریخش، ۱۳۶۴: ۴۲۱) و سیاحت شرق آقا نجفی قوچانی (همان، ص ۴۶۷-۴۸۶). آنچه از این‌ها نیز نقل شده، بیشتر درباره راه‌ها و مسافرت است و نه ویژگی‌های انسانی.

کتاب نوریخش (۱۳۶۴) فاقد جمع‌آوری جامعی از سفرنامه‌هاست و درباره اطلاعات سفر، اطلاعات خود را از کتاب‌های اصلی، به‌ویژه *تحقیقات جغرافیایی راجع به ایران* آلفونس گابریل (۱۳۴۸) و در درجه دوم، کتاب *ایران و قضیه ایران* لرد کرزن (۱۳۶۷) اخذ کرده است. البته آنچه از سفرنامه‌ها نقل شده، عیناً از سفرنامه‌ها گرفته شده؛ ولی به معروف‌ترین و دردسترس‌ترین منابع، اکتفا شده است. از سوی دیگر، بیان کتاب، روایت‌گونه و جذاب است.

چ دکتر محسنیان راد نیز در تحقیقی که در فاصله سال‌های ۱۳۶۳ تا ۱۳۶۶ منتشر شده و گزارشی از آن در ۱۳۶۵ انتشار یافته و نیز گزارشی دیگر که به همراه فهرست سفرنامه‌های ترجمه‌شده به فارسی، در ۱۳۷۱-۱۳۷۲ به چاپ رسیده، اسامی ۶۸۲ سیاح را که تا ۱۹۱۴ به ایران سفر کرده‌اند، جمع‌آوری کرده و ترجمه‌های فارسی موجود از آن‌ها را (با ذکر نسخه‌ها و ترجمه‌های مختلف آن، و محل نگهداری‌شان) به تفصیل (صص ۳۱۸ تا ۳۵۵) آورده است. محسنیان راد، در

نتیجه‌گیری از این سفرنامه‌ها (۶۸۲ سفرنامه و سیاح) و ترجمه‌ها (۱۳۷ ترجمه)، نتیجه می‌گیرد:

هنوز هشتاد درصد سفرنامه‌های نوشته شده درباره ایران (تا سال ۱۹۱۴م.) به فارسی ترجمه نشده است (۵۴۵ از ۶۸۲) و آنچه ترجمه شده نیز احتمالاً نمونه‌ای متناسب با مجموعه مذکور نیست. در واقع این تردید وجود دارد که منحنی سفرنامه‌های ترجمه شده با منحنی سفرنامه‌های (نمودار زیر) منطبق باشد. تصور می‌شود که بسیاری از سفرنامه‌های ترجمه شده مربوط به عصر قاجار باشد... (۱۳۷۱-۱۳۷۲: ۳۱۶)

فرضیه مورد بررسی محسنیان راد، این است که براساس بررسی‌های اولیه، رابطه‌ای تنگاتنگ بین اوضاع سیاسی ایران و کاهش یا افزایش تعداد سیاحان وجود داشته است. این رابطه را می‌توان در نمودار زیر که براساس اطلاعات جمع‌آوری شده اولیه تنظیم گردیده، مشاهده کرد. در این منحنی هریک از نقاطی که با حروف لاتین مشخص شده، به شرح زیر است:

(a) شروع مکاتبه با سلاطین اروپایی از سوی سلطان محمد خدابنده

(b) وجود شرایط ملوک‌الطوایفی در ایران

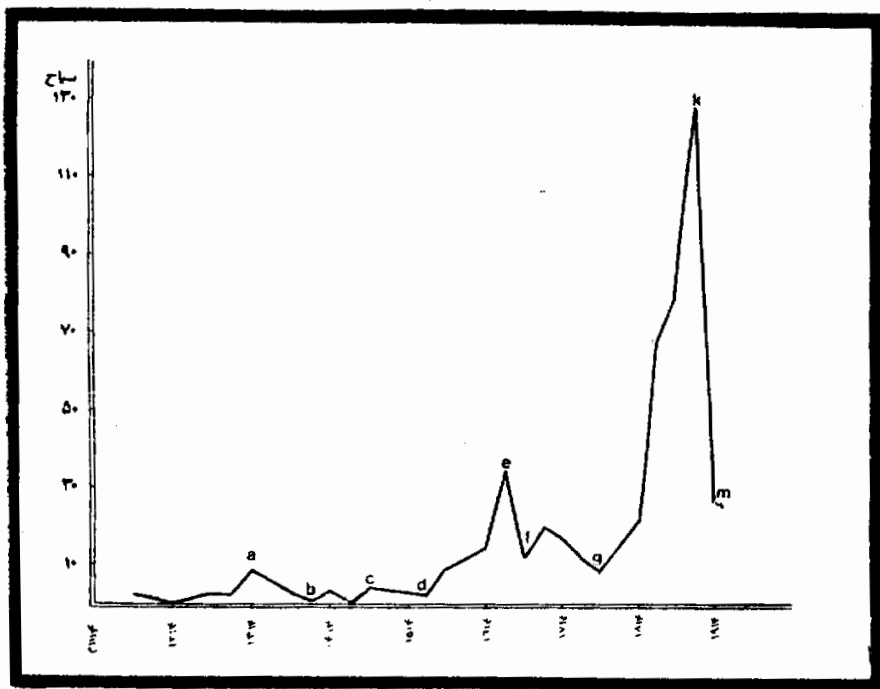
(e) دوره صفویه

(g تا f) حمله محمود افغان به اصفهان تا دوره هرج و مرج مربوط به تعیین

جانشین نادرشاه افشار

(k) قرارداد گلستان، قرارداد ترکمن‌چای

(m) گشایش خط تلگرافی اروپا و ایران (خط رودس، تفلیس، تهران) و گشایش کنسولگری‌های کشورهای مختلف در ایران و در واقع جایگزینی وسایل ارتباطی دیگر به جای سفرنامه‌ها.



شکل ۲. تعداد جهانگردانی که در هشتصد سال (تا ۱۹۱۴) به ایران آمده‌اند.
(محسنیان راد، ۱۳۷۱-۱۳۷۲: ۳۱۳)

اطلاعات ذکر شده در مقاله محسنیان راد، در برخی موارد نادرست است. برخی سفرنامه‌های ذکر شده، مربوط به ایران نیستند و اصولاً سفرنامه محسوب نمی‌شوند. مثلاً سفرنامه کاپیتان آتراس (شماره ۸ محسنیان) سفرنامه به قطب شمال است که توسط ژول ورن نوشته شده و اعتمادالسلطنه آن را ترجمه کرده است. سفرنامه بروس (شماره ۲۴ محسنیان) نیز درباره روسیه است. همچنین، سفرنامه هنری مرتون استانی (شماره ۱۱ محسنیان)، سفرنامه‌ای در خصوص افریقای مرکزی است (نسخه الکترونیکی آن نیز در سایت کتابخانه ملی موجود است). یا برخی

کتاب‌ها سفرنامه‌هایی است که توسط ایرانیان به رشته تحریر درآمده، نه بیگانگان؛ برای نمونه، سفرنامه استرآباد و مازندران و گیلان و... (شماره ۱۱۵ محسنیان راد) که در پژوهش محسنیان راد، از نویسندگانش با عنوان ناشناس یاد شده، در اصل متعلق به میرزا ابراهیم است. علاوه بر این، برخی کتاب‌ها مانند کار موريس پورنو در این تحقیق دیده نشده است. همچنین مقاله محسنیان راد فقط در حد فهرست است و حاوی اطلاعات بیشتری نیست.

ح) عنوان پژوهشی دیگر در این زمینه، «کتابنامه سفرنامه‌ها تا سال ۱۳۶۲» (بختیار: ۱۳۶۷) است که منظم و دقیق تهیه شده است. البته کار بختیار نیز عاری از خطا نیست. برای نمونه، نام فیدالگو را اوین ذکر کرده که ظاهراً اشتباهی تایپی است؛ ولی چون سفرنامه‌ها به ترتیب الفبایی مرتب شده، در بخش الف آمده است. (ص ۱۱۴)

بختیار ویژگی‌های کار خود را در ابتدای مقاله چنین ذکر کرده است (۱۳۶۷):

(۱۱۱):

- زمان ایرانگردی و تاریخ تولد و درگذشت سفرنامه‌نویسان، با استفاده از متن اصلی یا ترجمه فارسی آمده است و هر جا که موجود نبوده، با بررسی منابع مختلف خارجی به آن اضافه شده است. (البته باز هم در متن در پاره‌ای موارد این تاریخ‌ها (به‌ویژه تاریخ ایرانگردی که اهمیت دارد) موجود نیست).
- کتاب‌های خاطراتی که ماهیت سفرنامه‌ای دارند، به این متن اضافه شده است.
- پیش‌نام‌های اشرافی یا نسبی فرنگی مانند von, van, de, De هنوز در طبقه‌بندی الفبایی قاعده مسلمی ندارد و در کار بختیار از شهرت صاحب نام در بین کتاب‌شناسان و املائی متداول استفاده شده است.
- در کار بختیار از ذکر عنوان سفرنامه‌هایی که به‌صورت بخش‌های پیاپی در مطبوعات چاپ شده و فهرست آن‌ها در کتاب فهرست مقالات فارسی ایرج افشار آمده، خودداری شده است.

خ) دکتر حسن جوادی، استاد دانشگاه تهران و دانشگاه برکلی و جرج واشنگتن، در کتاب خود با عنوان *ایران/از دیده سیاحان اروپایی* (۱۳۷۸) با استفاده از سفرنامه‌های موجود در کتابخانه مرکزی دانشگاه کمبریج و یادداشت‌های لارنس لکه‌پارت (که درباره منابع پرتغالی، اسپانیولی و هلندی نیز هستند) و کتابخانه دانشگاه برکلی، فهرستی بالغ بر هزار و چهارصد عنوان از سفرنامه‌ها و شرح‌های کوتاه مقاله‌مانند مربوط به ایران را گرد هم آورده و مباحث مربوط به ایران را از دوره یونان تا صفویه در این کتاب آورده و وعده جلد بعدی آن را نیز داده است. او در این کتاب، علاوه بر سفرنامه‌ها، نوشته‌ها و توارخی را که در مورد ایران توسط خارجیان نوشته شده و زیاد هم معروف نیستند، ذکر کرده است. (۱۳۷۸: نه) کتاب او مجموعه مقالاتی است که از ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۳ در مجله *بررسی‌های تاریخی* منتشر کرده است و دو فصل دیگر نیز در *الفبا* (شماره ۶، دوره اول، ۱۳۵۶) و *ایران‌نامه* (سال اول، شماره اول و دوم، پاییز و زمستان ۱۳۶۱) منتشر شده است. به نظر جوادی (۱۳۷۸: شش)، سیاحان اروپایی به جزئیات وقایعی پرداخته‌اند که مورخان ایرانی زیاد به آن توجه نکرده‌اند و شاید تاریخ‌نویسان رسمی و درباری در موقعیتی نبودند که بتوانند برخی از مطالب را بنویسند.

د) در کتاب مهین اوپس (کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی) با عنوان *فرهنگ ایران در سفرنامه‌های اروپایی دوره قاجار* (۱۳۷۹)، ۳۰ سفرنامه (ص ۳) یا ۶۰ سفرنامه (ص ۱۲) دوران قاجار مورد بررسی قرار گرفته و حدود ۸۰ نکته از آن‌ها دسته‌بندی شده است. در فهرست منابع انتهای کتاب وی، نام ۳۹ کتاب فارسی درباره سفرنامه آمده است.

اوپس (۱۳۷۹) بدون ارائه یک چارچوب نظری، پس از ارائه چندین تعریف از فرهنگ در یک فصل کامل از کتاب خود، به موارد زیر پرداخته است:

- تاریخ و نژاد ایرانیان
- قیافه و وضع جسمانی
- سرشت ذاتی ایرانیان و مقایسه آن با ملت‌های مجاور
- تاریخ و آثار باستانی
- علاقه‌مندی ایرانیان به مهین و تاریخ کشورشان

- مذاهب ایرانی
- خصوصیات شیعی ایران
- تفاوت اسلام ایرانیان با مسلمانان دیگر
- دینداری ایرانیان
- مراسم و اماکن مذهبی
- نقش زبان فارسی در فرهنگ ایرانی
- سبک شعر و نویسندگی
- معرفی شعرای فارسی‌زبان
- شهرهای باستانی ایران
- عرفان در سفرنامه‌ها
- مواد مخدر و تصوف
- سلسله‌های صوفیه
- روحيات و آداب و رسوم مردم (فصل هفتم: صص ۲۳۵-۳۱۰)
 - مردمانی با روحیه‌ای متضاد
 - زیرکی و شجاعت
 - آداب معاشرت
 - مراسم دید و بازدید
 - مراسم استقبال و بدرقه
 - مهمان‌نوازی
 - خوش‌گذرانی
 - سیر و سفر
 - شوخ‌طبعی و بذله‌گویی
 - لباس پوشیدن
 - خانه ایرانیان
 - اعتقادات آیینی
 - جامعه ایرانی

○ صفات ناپسند ایرانیان (صص ۲۹۳-۳۱۰)، شامل: روحیه غیر علمی؛ یک‌نواختی زندگی؛ دروغ‌گویی، غارتگری و طمع‌ورزی؛ بی‌ارزش بودن وقت.

اویس در آغاز بخش کوتاهی که به بررسی صفات ناپسند ایرانیان اختصاص می‌دهد (۱۳۷۹: ۲۹۳-۳۱۰)، تلاش دارد تا دلایل ذکر این مطالب را چنین توجیه کند: اکثر صفاتی که از سفرنامه‌نویسان عهد قاجاریه ذکر شد، «محاسن اخلاقی، فطری و باستانی ایرانیان بود» و اکثر آن‌ها در آن متفق‌القول بودند. وی ادامه می‌دهد:

در خلال صفحات بسیار زیاد سفرنامه‌ها، به حق یا از روی غرض‌ورزی، معایبی را به ملت ایران نسبت می‌دهند که نادیده گرفتن آن به درستی و بی‌نظری تحقیق، خدشه وارد خواهد ساخت. به همین منظور آن صفات نادرست هم بدون کم و کاست ذکر می‌گردد و به آنچه که از روی بغض یا کینه و یا بی‌اطلاعی نوشته شده، پاسخ داده و انتقاد به جای آن‌ها پذیرفته می‌شود. (اویس، ۱۳۷۹: ۲۹۴)

اویس آنگاه در ادامه، بر شاهد نظر خود، مطلبی را به نقل از واتسون، «تاریخ‌نویس اروپایی»، بیان می‌کند و نتیجه می‌گیرد که «وقتی اظهار نظر تاریخ‌نویس اروپایی درباره یک ملت کهنسال و پرچمدار تمدن و فرهنگ انسانی چنین باشد، سفرنامه‌نویسان اروپایی که بیشتر آن‌ها مأموریت دولتی داشته و از طرف استعمارگران در پی تحقیر ملت‌ها بوده‌اند، منصفانه و بی‌غرض جلوه می‌کند.» (ص ۲۹۵)

آنچه اویس از واتسن در *تاریخ قاجار* ذکر می‌کند چنین است:

مردم ایران مردمی هستند صبور که به آسانی اداره می‌شوند. طبقات پایین، مودب و فروتن هستند و ثروتمندان از فقرا نگهداری می‌کنند پوتینگر (پاتینجر)^۱ درباره ایرانیان می‌گوید: «ایرانیان نسبت به همدریف‌های خود، مودب و متواضع و نسبت به بالادست، غلام اما در برابر زیردستان متکبر و ظالم هستند. در موقعی که فرصتی به دست می‌آورند طماع، پست، نادرست و دروغ‌گویند و دروغ مصلحت‌آمیز را

¹ Potinger

مستحسن می‌شمارند»... ایرانیان عامل انواع شقاوت و بی‌عدالتی و خلاف‌کاری هستند چنان که در هیچ قومی و عصری نظیر نداشته است... مک دونالد^۱ نیز درباره ایران می‌گوید: «نژاد ایرانی، خوش‌قیافه، شجاع، مهمان‌نواز، صبور و در مشقات، خونگرم، نسبت به غریبه فوق‌العاده با نزاکت، نجیب، در مجالست رفیق و خوش‌مشراب ولی به طور کلی از خیلی جهات پسندیده، محرومند. در ظاهر سازی و عوام‌فریبی تکمیل‌اند. نسبت به زیردست متکبر و نسبت به بالادست مطیع و فرمانبردار، ظالم، کینه‌جو، خائن، طماع، بی‌ایمان، نارفیق و ناسپاس هستند. (واتسون، ۱۳۳۷: ۱۸؛ به نقل از اوپس، ۱۳۷۹: ۲۹۴)

اوپس از میان نقاط منفی ذکر شده برای ایرانیان، شش مورد را ذکر می‌کند که روحیه غیرعلمی، یک‌نواختی زندگی، غارتگری و طمع‌ورزی را نمی‌پذیرد و پس از ذکر نظرات سیاحان، برخی نکات را در ردّ نظر آن‌ها می‌آورد؛ اما دروغ‌گویی را به عنوان صفتی می‌داند که «همه سیاحان بر آن تاکید داشته‌اند و حتی سفرنامه نویسان غیراروپایی نیز آن را تایید کرده‌اند و آثار شوم آن هنوز در میان ایرانیان به جا مانده است.» (اوپس، ۱۳۷۹: ۳۰۶).

اوپس در بخشی از کار خود، از سرجان ملکم در *تاریخ ایران* نقل می‌کند و می‌نویسد: «با آنکه ملکم بدی اخلاق ایرانیان را بیشتر از خوبی‌هایشان می‌داند، ولی نوع حکومت قاجار را در پیدایش دروغ و نیرنگ و صفات ناپسند موثر ذکر می‌کند و می‌گوید که اساس حکومت چنان است که اگر در انجام هر کاری، نیرنگ را دخالت ندهند، به نتیجه نمی‌رسند و این صفت، طبیعت آنها گشته است. همچنین ملکم معتقد است که ایرانیان یا باید تابع باشند یا طاغی.» (ملکم، ۱۲۸۳، ج ۲: ۳۲۳؛ به نقل از اوپس، ۱۳۷۹: ۲۹۵) اوپس بر این باور است این اظهارنظرهای تاریخ‌نگاران بر ذهن سفرنامه‌نویسان اثر گذاشته است. (همان)

(ذ) در مجموعه دو جلدی *سفرنامه... تا پخته شود خامی (سفرنامه خارجیانی که از ایران دیدار کرده‌اند)* نوشته منوچهر دانش‌پژوه (۱۳۸۰)، نویسنده مقصود خود را از نگارش کتاب، چنین عنوان می‌کند که «از دوران جوانی به سیر و سیاحت علاقه وافر داشته .. و به موازات آن، به جمع‌آوری کتب مربوط به ایران‌شناسی و

¹ Mac Donald

جهان‌شناسی پرداخته است و در کتابخانه شخصی خود ... ۶۰۰ جلد سفرنامه و خاطرات جهانگردان و ایرانگردان دارد ... و به دنبال این بوده که این سفرنامه‌ها را معرفی کرده و هم محتوای آنها را در دسترس بگذارد.» (ص ۲۷)

سفرنامه‌های اصلی از نظر دانش‌پژوه به چهار دسته اصلی و سه دسته متفرقه تقسیم می‌شوند (۱۳۸۰: ۲۸):

- سفرنامه خارجیانی که از ایران دیدار کرده‌اند و درباره ایران نگاشته‌اند.
- سفرنامه ایرانیانی که به خارج از ایران رفته‌اند و خاطرات سفر خود را نوشته‌اند.
- سفرنامه ایرانی‌هایی که در داخل ایران سفر کرده‌اند و سفرنامه نوشته‌اند.
- سفرنامه خارجی‌هایی که دیگر نقاط جهان را دیده‌اند و سفرنامه آنها به فارسی ترجمه شده است.
- سفرنامه‌های منظوم
- سفرنامه‌های طنز
- سفرنامه‌های داستانی و تخیلی

کتاب دو جلدی سفرنامه... تا پخته شود خامی، فقط به بخش اول از این مجموعه پرداخته و البته در میان آنها، فقط به سفرنامه‌های ترجمه‌شده به فارسی پرداخته است. سفرنامه‌ها در این مجموعه دو جلدی براساس تاریخ تحریر سفرنامه (یا تاریخ سفر به ایران، یا تاریخ زندگی سفرنامه‌نویس) ارائه شده است و در ابتدای جلد اول هم، خلاصه‌ای از فهرست سفرنامه‌ها براساس ترتیب تاریخی ذکر شده است.

علاوه بر این، درباره هر جهانگردی که به ایران سفر کرده، ابتدا خلاصه‌ای از زندگی، ویژگی‌های سفر وی، گستره جغرافیایی سفر، مهم‌ترین مباحث و ویژگی‌های سفرنامه ذکر شده و سپس عیناً بخش‌هایی از سفرنامه بیان شده است (بخش دوم، قسمت اعظم این کتاب هزار و نهصد صفحه‌ای را تشکیل می‌دهد).

چون تعلقات مرحوم دانش‌پژوه، ایران‌گردی و ایران‌شناسی بوده، وی بیشتر بر توصیفات جغرافیایی از شهرهای گوناگون ایران در هر سفرنامه و وقایع سیاسی و توصیفات شاهان متمرکز شده و تقریباً اثری از خلیقات در آن نیست. البته این

مسئله چندان دور از انتظار هم نیست، چون خلیقات ایرانیان، مسئله وی نبوده است.

البته کتاب مرحوم دانش‌پژوه، با وجود اینکه در سال ۱۳۸۰ منتشر شده، همه سفرنامه‌های ترجمه‌شده به فارسی را معرفی نمی‌کند و مشخصاً سفرنامه‌های خطی و چاپ سُرّبی را در برمی‌گیرد و نیز فاقد برخی دیگر از سفرنامه‌های چاپی است؛ مثلاً *سفیران پاپ به دربار خان مغول* (راکه ویلتس، ۱۳۵۳)، *سفرنامه پلان کارپن*، نخستین سفیر واتیکان در دربار مغول در سال ۱۲۴۵ م. (کارپن، ۱۳۶۳)، *سقوط اصفهان* (گیلاتنز، ۱۳۴۴)، *نامه‌های طبیب نادرشاه* (بازن، ۱۳۴۰)، *نامه‌های شگفت‌انگیز از کشیشان فرانسوی در دوران صفویه و افشاریه* (۱۳۷۰)، *نامه‌های الکساندر گریبایدوف درباره ایران مربوط به سلطنت فتح‌علی‌شاه قاجار* (۱۳۵۶).

ر) جمشید صداقت‌کیش در مطلبی «در کارنامه ایرانگردان سده‌ها» در مقدمه جلد اول *سفرنامه جیمز موریه* (۱۳۸۵) (که ظاهراً برگرفته از نسخه دست‌نویس وی با عنوان *کتاب‌شناسی توصیفی سفرنامه‌ها* (ص ۳۱) است)، تعداد سفرنامه‌های موجود را نزدیک به هزار و تعداد سفرنامه‌های ترجمه‌شده را ۱۳۵ نسخه می‌داند که سهم اروپاییان در این میان بیش از دیگران است. (ص ۲۹) همچنین نخستین جهانگرد به ایران اسکولاکس^۱ از ۵۱۶ پیش از میلاد معرفی شده و اولین جهانگرد بعد از اسلام، بنیامین بن جناح (از ۱۱۶۴ تا ۱۱۷۳ میلادی) است. (ص ۲۹)

صداقت‌کیش (با استفاده از کار شبانی)، مجموع سفرنامه‌های دوره صفویان (دهه ۱۶۰۰ تا ۱۷۲۰) را ۸۱ عنوان، افغانان (۱۷۲۱-۱۷۴۰) را ۱۱ عنوان، افشاریان (۱۷۴۱-۱۷۵۰) را ۶ عنوان، زندیان (۱۷۵۱-۱۷۹۰) را ۱۷ عنوان، قاجاریان (۱۷۹۱-۱۹۲۰) را ۲۰۰ عنوان و دوره پهلوی اول (۱۹۲۱-۱۹۴۰) را ۱۲ عنوان ارزیابی کرده است. (ص ۳۱) همچنین از ۲۰۰ سفرنامه دوره قاجار، ۱۰۵ سفرنامه به فارسی برگردانده شده است. (البته مشخص نیست که نگارنده، سیاح را معیار گرفته است، یا سفر را و نیز تفاوت میان آمارهای خود شبانی را نیز توضیح نداده است. مثلاً درباره سال‌های دهه ۱۷۶۰ و ۱۷۷۰ و ۱۷۸۰ توضیح داده که با آمار

¹ Skylo XX

شیبانی متفاوت است؛ اما درباره سال‌های دیگری که این آمار متمایز است، هیچ توضیحی نداده است.)

ز) حسین مسرت (۱۳۸۶) نیز در مقاله‌ای، به کتاب‌شناسی «نگرش بر سفرنامه‌ها» یا سفرنامه‌پژوهی پرداخته و معتقد است که کتاب‌شناسی سفرنامه‌های فارسی، فراتر از حد یک مقاله است و سعی کرده با ارائه کتاب‌شناسی از کتاب‌ها و مقالاتی که به معرفی سفرنامه‌های فارسی پرداخته‌اند، هم دسترسی به فهرست سفرنامه‌ها را تسهیل کند و هم منابع نقد سفرنامه‌ای را معرفی کند. (ص ۴۴۳)

ژ) جدیدترین کتاب‌شناسی سفرنامه‌ها، کتاب‌شناسی سفرنامه: فهرست کتاب‌ها، مقاله‌ها در موضوع سفر، سفرنامه و سیاحت و گردشگری از ابتدا تا سال ۱۳۸۹ نوشته صاحب‌مناجی کجوری و شریف اعظم حاجی حسین تهرانی (۱۳۹۰) است. در کتاب مناجی و حاجی حسین تهرانی (۱۳۹۰) ۶۲۱ کتاب و ۶۵۱ مقاله فهرست شده است. این کتاب، مجموعه‌ای مفصل است و بیش از سایر متون ذکرشده در بالا، اطلاعات دارد؛ به‌ویژه آن‌که مقالات و کتاب‌های درباره سفرنامه‌ها نیز در آن آمده است؛ اما باز هم در این کتاب، خطاهایی وجود دارد که در برخی کتاب‌شناسی‌های گذشته نیز وجود داشته است. با وجود آن‌که در عنوان کتاب، کلمه «از ابتدا» آمده، به گفته طالعی (۱۳۹۲: ۴۷) سفرنامه‌های خطی و چاپ سنگی نیامده، پایان‌نامه‌ها و نسخه‌های اینترنتی نیز مطمح نظر نویسندگان اثر نبوده است. همچنین به نظر می‌آید که نویسندگان، اصل کتاب‌ها را ندیده و فقط به فهرست‌ها مراجعه کرده‌اند. طالعی همچنین در آن مقاله، ایرادهای فراوانی به این کتاب‌شناسی گرفته است که مهم‌ترین آن‌ها، فقدان جامعیت آن است. او در این مقاله کوتاه ۵ صفحه‌ای، نام هفتاد سفرنامه را به‌عنوان نمونه ذکر می‌کند که در این کتاب‌شناسی نیامده است.

به نظر می‌آید که مهم‌ترین ایراد این کتاب‌شناسی و نیز برخی کتاب‌شناسی‌های دیگر مانند کارهای بختیار، آن است که به برگه‌دان‌ها و فهرست‌های موضوعی کتابخانه‌ها اتکا کرده‌اند و اصل کتاب‌ها را ندیده‌اند؛ لذا برخی گزارش‌ها که در قالب نامه و سند و داستان ارائه شده‌اند، در این اثر از قلم افتاده‌اند.

در پژوهش حاضر، تلاش ما در کنار جمع‌آوری خلیقات ایرانیان در سفرنامه‌ها، بر این بوده تا کتاب‌شناسی نسبتاً جامعی نیز از سفرنامه‌های منتشرشده به فارسی ارائه کنیم و همچنین تا حد امکان تمام متون مرتبط دیده شود تا گزارشی از قلم نیفتد. مشاهدات ما نشان می‌داد که بسیاری از گزارشات بیگانگان از ایران، لزوماً توسط کتاب‌شناسان با عنوان «سفرنامه»، فهرست‌نویسی نشده است. برای نمونه، کتاب در جست‌وجوی حسن نوشته ترنس وارد، که سه ترجمه متفاوت نیز از آن شده است (وارد، ۱۳۸۱، ۱۳۸۲، ۱۳۸۶)، به‌عنوان داستان و نامه‌های تانکوونی (۱۳۸۳) به‌عنوان خاطرات، شناخته شده‌اند. این مسئله به‌خوبی نشان می‌داد که اتکا به فهرست موضوعی، کافی نیست. علاوه‌بر این، محدود کتاب‌شناسی‌های انجام‌شده توسط پژوهشگران داخلی، مؤید این واقعیت بود که برخی از آن‌ها در گردآوری مجموعه خود، به همین فهرست موضوعی بسنده کرده و گاه به خطا رفته‌اند. اکتفای سایر مجموعه‌های کتاب‌شناسی به آثار مشهور و شناخته‌شده نیز، بیانگر این مهم بود که این حوزه، نیازمند پژوهشی عمیق، حداقل در حوزه تنظیم فهرستی جامع از سفرنامه‌هاست.

مجموعه این عوامل سبب شد تا نگارنده به کاوشی اساسی در منابع کتابخانه‌ای دست زده و تمام کتاب‌های بخش تاریخ (ایران و جهان) کتابخانه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تالار ابوریحان کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، تالار ایران‌شناسی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران و کتابخانه دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران را مرور کند. علاوه‌بر این، از آن‌جایی که هدف این پژوهش به سفرنامه‌ها محدود نمی‌شد و تمامی مشاهدات منتشرشده خارجیان به زبان فارسی نیز مطمئن نظر بود، گزارش‌های سفر انتشاریافته در مجلات نیز مورد بررسی قرار گرفت و به‌دلیل فقدان فهرست‌نویسی‌های رایج در این حوزه، بخش تاریخ ایران پورتال جامع علوم انسانی و نیز فهرست کامل مجله‌های کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، بررسی‌های تاریخی، نامه بهارستان، گنجینه اسناد، فصلنامه تاریخ معاصر ایران و

فصلنامه مطالعات تاریخی نیز با استفاده از پورتال جامع علوم انسانی^۱ و پایگاه مجلات تخصصی نور^۲ مورد بررسی قرار گرفت.

با وجود این که فهرستی نسبتاً جامع در این خصوص گرد آمده است، هنوز در این پژوهش جای بررسی کتاب‌های چاپ سنگی دوره قاجار و نیز آثار ترجمه نشده به زبان فارسی خالی است؛ آثاری ارزنده از سفر به ایران، نظیر سفرنامه هربرت، که هنوز ترجمه نشده‌اند. همچنین سفرنامه‌ها و مشاهدات بیگانگان از ایران پس از انقلاب اسلامی نیز با وجود مطالعه و استخراج گزاره‌هایشان، در این اثر گنجانده نشده‌اند و امید است در ویرایش‌های بعدی این کار، موارد تکمیلی هم اضافه شوند.

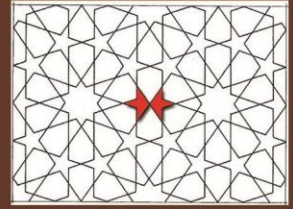
میزان اعتبار سفرنامه‌ها در سنجش خلیات ایرانیان

ادبیات موجود در باب ضعف اخلاق اجتماعی ایرانیان اندک نیست و در این زمینه، علاوه بر تحقیقات و نظریات جدید، می‌توان به تمام ادبیاتی که (حداقل) از زمان قاجاریه به بعد پا به این عرصه نهاده‌اند، رجوع کرد. اما منبع اصلی در این باب که در این تحقیق استفاده شده است، سفرنامه‌های بیگانگانی است که به دلایل مختلف سیاسی، مذهبی، اقتصادی و یا برای سیر و سیاحت به ایران سفر کرده‌اند.

توجه به این نکته حائز اهمیت است که از جمله اولین منابع موجود درباره تاریخ اجتماعی در ایران و مشکلات رفتاری ایرانیان، سفرنامه‌های بیگانگانی است که به ایران سفر کرده‌اند. اهمیت این دست منابع زمانی بیشتر عیان می‌شود که نظریه‌ها و تفاسیر مرتبط با تاریخ و مسائل اجتماعی در ایران، ارجاعات بی‌شماری به سفرنامه‌ها داده‌اند؛ اما در این میان اکثریت سفرنامه‌نویسان، به عنوان کسانی که ناظر فرهنگ ایرانی بوده‌اند، با نگاهی تکامل‌گرایانه و با پیش‌فرض گرفتن برتری غرب، رفتارهای ایرانیان را با جوامع غربی مقایسه کرده‌اند و در مجموع، توصیفی منفی از رفتارهای ایرانیان داشته‌اند و کمتر توانسته‌اند با فاصله گرفتن از نگاه و پیش‌فرض‌های خود، همدلانه ایرانیان را بررسی کنند. این نگاه که عمدتاً شکلی تحقیرآمیز داشته است، به‌ویژه در قرون ۱۸ و ۱۹ میلادی رواج داشته که اکثر

^۱ www.ensani.ir

^۲ www.noormags.ir



«ایرانیان در زمانه پادشاهی»، روایت خلیقات ملتی ریشه‌دار در تاریخی کهن است که این بار نه از دریچه نگاه مورخان، که از قلم گاه مغرض و گاه منصف ناظران بیگانه فرهنگ ایرانی، حکایت شده است؛ روایتی پیچیده، از کثرفهمی‌ها و عداوت‌ها گرفته تا صراحت لهجه در بیان تیرگی‌هایی که بر اخلاقمان سایه افکنده‌اند. ایرانیان در زمانه پادشاهی، تصویر تمام‌عباری از ما در مقابل آینه قضاوت اخلاقی نیست، بلکه تنها روزنی کوچک است که بر سپهر قریب به ۵۰۰ سفرنامه و گزارش سفری گشوده شده که حاصل تصویرپردازی‌های متنوع بیگانگان از ایران و ایرانی‌ست، مجموعه‌ای که می‌کوشد تا دیباچه‌ای برای آغاز راه درک روند نقد خلیقات ایرانی از منظر غیرایرانیان باشد.

کتاب اول این مجموعه ده‌جلدی، با عنوان «مقدمه و منابع»، دربرگیرنده معرفی پژوهش و روش تحقیق آن است؛ همچنین این کتاب، ضمن ارائه نگاهی اجمالی به تحقیقاتی که تاکنون در حوزه خلیقات‌پژوهی و سفرنامه‌پژوهی در ایران صورت گرفته، به اعتبارسنجی آنها نیز می‌پردازد. در پایان این جلد هم، فهرست کاملی از مجموعه پژوهش‌ها در زمینه خلیقات و نیز منبع‌شناسی مشاهدات بیگانگان از جامعه ایران، شامل سفرنامه، نامه، گزارش سفر و اسناد مکتوب، گرد آمده است.

